

- مقدمه
- بخش اول: فضیلت مهمانداري
- حکایت: میزبانی حضرت ابراهیم علیه السلام
- پذیرفتن دعوت مؤمنان
- حکایت: دعوت به دین در مهمانی
- نشانه ایمان است
- حکایت ملکشاه و روستایی
- ثواب مهمانداري نزد خدا
- حکایت مهمان‌نوازي بادیه نشین
- مهمانداري در جوامع مختلف
- عمل کردن به وصیت پیامبر صلی الله علیه وآله است
- مذمت‌خانه‌ای که مهمان در آن وارد نشود
- بخش دوم: ثمرات مهمانداري
- درخشش صورت
- بخشیده شدن گناهان و نزول نعمت
- حکایت: زنی که مخالف مهمان بود
- جهنم بر او حرام می‌گردد
- برابر با سیر کردن یکصد هزار نفر است
- برابر با نجات‌دادن چهارتن از اولاد اسماعیل از اسارت است
- مهمان‌نوازي در بهشت
- سیر کردن يك مؤمن بهتر از سیر کردن ده مسکین است
- یکی از نشانه‌های ایمان است
- حکایت: کریم‌تر از حاتم طایی
- دشمنی‌ها را تبدیل به دوستی می‌کند
- حکایت: عادت ملك کرمان

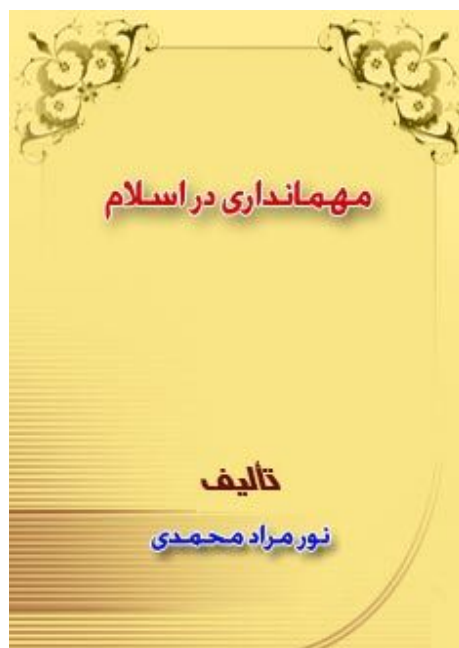
- مهمان‌نواز در امنیت است
- برابر با آزاد کردن يك بنده در راه خدا است
- در خانه او برکت می‌آید
- بخش سوم: وظایف میزبان
- به کار نگرفتن مهمان
- غذا خوردن با مهمان
- حکایت: غذا خوردن حضرت علی علیه السلام با مهمانانش
- غذا را هر چه زودتر برای مهمان آماده کند
- خود را به زحمت نیندازد
- حکایت: پذیرایی اعرابی از خلیفه
- حکایت: مهمانی دادن دو دوست
- نباید از مهمان پرسید غذا خورده است یا نه
- حکایت: عرب جوانمرد
- حکایت: مهمانی کریمان
- بدرقه کردن مهمان تا در منزل
- یاری کردن مهمان به هنگام آمدن
- حکایت: استقبال و بدرقه عجیب
- قدرت مهمانی دادن را داشته باشد
- آماده کردن غذای مورد علاقه مهمان
- حفظ کردن آبروی مهمان
- خدمت کردن به مهمان
- حکایت مهمانان علی علیه السلام
- آمادگی دایم برای پذیرایی از مهمان
- حکایت: مهمانی با مغز استخوان
- دل و زبانش یکی باشد
- لطیفه: تعارف بی‌جا
- طعنه نزدن به مهمان
- حکایت: مهمانی ابراهیم علیه السلام و بت‌پرست
- دفاع کردن از مهمان

- مهمانی دادن برای فخر فروشی نباشد
- بخش چهارم: وظایف مهمان
- تقاضای دشوار از میزبان نکند
- حکایت: درخواستی جا
- از غذای میزبان به قدر کافی بخورد
- غذای میزبان را کم نشمارد
- برای میزبان ایجاد مزاحمت نکند
- حکایت: مهمان ماندگار
- به نوع غذا اهمیت ندهد
- به میزبان خیانت نکند
- حکایت: حق نان و نمک
- هر جا صاحبخانه اشاره کرد، بنشیند
- به نامحرم نگاه نکند
- در وقت معین و مقرر حاضر شود
- بدون اجازه میزبان روزه مستحبی نگیرد
- برای میزبان دعا کند
- اسرار میزبان را حفظ کند
- بخش پنجم: آداب مهمانی
- بدون اطلاع قبلی به مهمانی نرود
- دزدی برای مهمان
- حکایت: درد سر بزرگ
- فرزند خود را همراه نبرد
- در مهمانی بدون اجازه غذا نخورد
- به خاطر دوری راه از پذیرش دعوت سرباز نزند
- به خاطر روزه مستحبی دعوت برادر مؤمنش را رد نکند
- جایی که غذایی حرام یا شبهه ناک است، نرود
- بدون دلیل، دعوت برادرش را رد نکند
- فرقی بین مهمانی رفتن به خانه فقرا و اغنیا نگذارد
- دعوت شخص منت‌گذار را نپذیرد

- در مجلس مهمانی از برادر دینی اش غیبت نکند
- به اهل خانه سلام کند
- بخش ششم: مدت مهمانی
- مهمانی سه روز است
- لطیفه: مهمان چهل روزه
- زیاد در خانه میزبان نماند
- لطیفه: مهمان پر رو
- میزبان را فراری ندهد
- بیشتر از سه روز را کار کند
- حکایت: کار کردن به جای خوردن صدقه
- بخش هفتم: چه کسی را به مهمانی دعوت کنیم؟ چه موقع مهمانی بدهیم؟
- ابتدا خویشان و نزدیکان را دعوت کند
- دعوت کردن شیعیان
- افراد متقی و متدین
- برادران دینی
- بین فقیر و غنی فرق نگذارد
- دعوت افراد گناهکار و فاسق را نپذیرد
- در مهمانی‌های لهو و لعب شرکت نکند
- موقع مهمانی
- مهمانی در عروسی
- مهمانی دادن هنگام بازگشت از حج و سفر
- اطعام برای ساختن خانه
- اطعام هنگام تولد فرزند و ختنه اولاد
- منابع و مأخذ

مهمانداری در اسلام

نویسنده : نور مراد محمدی



مقدمه

الحمد لله الاول فلا شيء قبله، و الآخر فلا شيء بعده، و الظاهر فلا شيء فوقه، و الباطن فلا شيء دونه، (1) و الصلاة و السلام على رسوله وآله الطاهرين.

اصولا هر آنچه در جامعه بشری از ارزش و اهمیت و الایی برخوردار است، اندیشه‌ای است که ریشه در اعتقادات، سنت‌ها و باورهای مردم دارد و در بین سایر جوامع زیانزد عام و خاص است.

آنچه موضوع بحث و مشترك بين تمامی جوامع است، مهمان‌داری است، که از زمان‌های بسیار دور و در میان تمام ملل و اقوام مختلف وجود داشته است و همه‌انسان‌ها با هر خصوصیت و تیره و نژادی، در هر منطقه دنیا که زندگی می‌کنند، این خصیصه را در جان و دلشان ثبت کرده و این کار پسندیده را ارج می‌نهند و به آن عمل می‌کنند.

این خصلت بسیار خوب و نیک، با ظهور دین مقدس اسلام در بین جوامع و پذیرش آن از طرف مردم برای همیشه ثبت و جاودانی شد و دین مبین اسلام، این خصلت نیک را تایید و بر آن تاکید کرد.

آداب و چگونگی پذیرایی از مهمان در جوامع متعدد، مختلف است و در هر جامعه‌ای به نوعی، از مهمان پذیرایی می‌کنند که بعضی از آن مطابق شرع مقدس اسلام است و برخی دیگر مخالف با فرمان‌های انسان‌ساز الهی است.

از باب نمونه، در بعضی از جوامع غیر اسلامی بهترین پذیرایی از مهمان، این است که جام شرابی را به

وی تعارف کنند و او نیز برای قدردانی از میزبان جام را سر بکشد، که این‌گونه پذیرایی از نظر اسلام مردود، بلکه حرام است.

خداوند تبارک و تعالی برای مهمان و میزبان ارزش زیادی قایل شده و برای آنها پاداش‌های بسیار زیادی در نظر گرفته است؛ هم برای مهمان که به خانه برادر دینی‌اش می‌رود و با او دیدار کرده و در خانه او غذا می‌خورد و هم برای میزبان که از او پذیرایی می‌کند و غذا و امکانات رفاهی را در اختیار او قرار می‌دهد اگر انسان بعد از انجام واجبات و ترک محرمات، جز مهمانداری عمل نیک دیگری را انجام نداده باشد، خداوند به واسطه همین عمل، او را به بهشت می‌برد.

ما، در این نوشتار با عنایت به مطالب فوق و عجز شدن این سنت حسنه با آیین نابو سرنوشت‌ساز اسلام، به بحث و بررسی درباره آیین مهمانداری پرداخته و با بیان احادیث جذاب و نورانی و ذکر حکایات و لطیفه‌های شیرین، مسایلی از قبیل فضیلت مهمانداری و ثمرات آن و همچنین وظایف مهمان و میزبان و آداب مهمانی را به‌طور مفصل بیان خواهیم کرد.

امیدواریم تمامی خانواده‌های عزیز و مهماندوست با رعایت دستورهای دین و عمل کردن به فرمان‌های اهل بیت اطهار علیهم السلام در مورد پذیرایی از مهمان، به ثمرات دنیوی و اخروی آن دست‌یابند و به این وسیله دنیا و آخرت خود را آباد کنند.

بنده با اطمینان عرض می‌کنم با یک بار خواندن این کتاب، مجذوب آن خواهید شد، زیرا محتوای آن پرده از سنتی زیبا و حسنه و رایج در بین هموطنان ما برمی‌دارد، که متأسفانه تاکنون کسی در این باره به تحقیق نپرداخته است.

از تمامی خوانندگان محترم و صاحب‌نظران عزیز انتظار دارم نظریات اصلاحی خویش را به نشانی ناشر ارسال دارند، تا در چاپ‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد. در پایان، از همسرم که با تحمل سختی‌ها و کمبودهای زندگی، مرا در تالیف این کتاب‌یاری کرد، تشکر می‌کنم و الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین.

تیرماه 1378

نورمراد محمدی

بخش اول: فضیلت مهمانداری

یکی از صفات بسیار پسندیده - که اگر در هر فرد وجود داشته باشد، فضیلتی بزرگ محسوب می‌شود - مهمانداری و مهماندوستی است.

تمامی پیامبران به این صفت زیبا و پسندیده آراسته بودند و یکی از صفات بارز آنان مهماندوستی بود. ما

هیچ پیامبری را سراغ نداریم که از مهمان روگردان بوده باشد.
بعضی از پیامبران اگر شب در منزل مهمان نداشتند، لب به غذا نمی‌زدند و گرسنه می‌خوابیدند!

حکایت: میزبانی حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام یکی از پیامبران عظیم‌الشان بود که هیچ‌وقت بدون مهمان غذا نمی‌خورد و لب به غذا نمی‌زد. از قضا روزی مهمان برای آن حضرت نرسید و او گرسنه بود. از خانه به جست‌وجوی مهمان بیرون آمد. دید در صحرا جماعتی در حال سفرند.

حضرت ابراهیم علیه السلام خود را به آنها که پانزده نفر بودند، رساند و آنها را به مهمانی دعوت کرد. آنها گفتند: ما گروهی کارگر بیچاره هستیم. هر يك از ما اطفال و عیال زیادی داریم. هر گاه خود مهمان شویم، اهل و عیال ما گرسنه خواهند ماند.

حضرت ابراهیم فرمود: اجرت عملگی شما را نیز خواهم داد. به هر حال آنها را راضی کرد و به خانه آورد و مهمان نمود.

وقتی کارگران در ضیافت شرکت کردند و اجرت هم گرفتند، با خود گفتند: حقیقتاً دین ابراهیم بر حق است؛ زیرا مهمان می‌کند و اجرت هم می‌پردازد.

در همان ساعت نزد حضرت ابراهیم ایمان آوردند و به سوی خانواده خود برگشتند. (2).

پذیرفتن دعوت مؤمنان

تمامی مؤمنان وظیفه دارند در حد توان، دیگران را به مهمانی دعوت کنند و اگر کسی آنها را به مهمانی دعوت کرد، بپذیرند؛ هر چند مسافت دور باشد و مشقت داشته باشد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: به حاضران و غائبان امتم وصیت می‌کنم: دعوت برادر مسلمان خود را اجابت کنند؛ حتی اگر مسافت آن پنج میل باشد، چون این عمل جزء ایمان شما است. (3).
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: یکی از حقوق مؤمن بر برادر مؤمنش این است که دعوت او را اجابت کند. (4).

پذیرفتن دعوت برادر مؤمن ظلم و پایمال کردن حق او است، در حالی که ادای حقوق برادر مؤمن واجب است و انسان فردای قیامت باید جوابگو باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اگر شخصی برادر دینی‌اش را به غذایی دعوت کند و او نپذیرد، در حق او ظلم کرده است. (5).

وقتی کسی رسول گرامی اسلام را به مهمانی دعوت می‌کرد، می‌پذیرفت و به مهمانی می‌رفت؛ حتی اگر میزبان او غیرمسلمان بود، و از این راه مردم را ارشاد می‌کرد و به دین اسلام دعوت می‌فرمود.

حکایت: دعوت به دین در مهمانی

در زمان رسول خداصلی الله علیه وآله در میان مشرکان شخصی به نام «عقبه» بود. وی مردی سخی و بلند نظر بود. هر وقت از سفر برمی‌گشت، سفره مفصلی ترتیب می‌داد و دوستان و بستگانش را به مهمانی دعوت می‌کرد. در همان حال که در صف مشرکان بود، دوست داشت پیامبر اکرمصلی الله علیه وآله را مهمان کند.

او در مراجعت از یکی از مسافرت‌هایش، سفره گسترده‌ای ترتیب داد و جمعی از جمله رسول خداصلی الله علیه وآله را دعوت کرد.

دعوت شدگان به خانه او آمدند و کنار سفره غذا نشستند. پیامبر اکرمصلی الله علیه وآله نیز وارد شد و کنار سفره نشست، ولی دست‌به‌غذا نزد.

عقبه از حضرت پرسید: چرا غذا میل نمی‌فرمایید؟!

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: من از غذای تو نمی‌خورم، مگر این‌که به یکتایی خداوند و رسالت من گواهی دهی!

«عقبه» چون خیلی به آن حضرت علاقه داشت و نمی‌خواست کسی‌گرسنه از کنار سفره او برخیزد، به یکتایی خداوند عزوجل و رسالت پیامبر اکرمصلی الله علیه وآله گواهی داد و به این ترتیب اسلام را قبول کرد. اما متأسفانه به خاطر همنشین بد، از دین اسلام برگشت و مرتد شد و در جنگ احدبه هلاکت رسید.

(6).

پیامبر گرامی اسلامصلی الله علیه وآله فرمود: اگر مؤمنی مرا به [خوردن] شانه گوسفندی دعوت کند، دعوت او را اجابت می‌کنم، چون این عمل جزو ایمان است. (7).

نشانه ایمان است

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: از جمله چیزهایی که رسول خداصلی الله علیه وآله به فاطمه زهرا علیها السلام، تعلیم داد، این بود: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانش را اکرام کند.

(8).

وقتی انسان، این موجود ضعیف آن‌قدر سخاوت داشته باشد که همو عانش را دعوت کند و از حاصل

دسترنجش به آنها بخوراند، خداوند تبارك و تعالى که سخی‌ترین بخشندگان است، چگونه فردای قیامت با مهمانانش رفتار خواهد کرد.

حکایت ملکشاه و روستایی

آورده‌اند: روزی ملکشاه آلب ارسلان به شکار رفته بود. به دهی از نواحی نیشابور رسید و گرسنگی بر وی غالب شد، مردی را دید که کشت‌خود را آب‌می‌داد.

نزدیک رفت و پرسید: ای روستایی! آیا آب و نان همراه داری؟

کشاورز گفت: دارم، ولی نه برای تو!

سلطان گفت: یاوه مگوی! اگر داری دو سه تا به من بده.

روستایی جواب داد: یاوه تو می‌گویی که به من می‌گویی نان بده!

سلطان دانست‌سختی و درشتی در وی تاثیر ندارد. از این رو کارد خود را از میان باز کرد و گفت: این را بگیر و چند عدد نان بده.

روستایی گفت: به دکان طبّاخ ببر که اگر من از سر کشت‌بروم و فرار کنم، از کجا مرا می‌یابی؟!

سلطان گفت: این کارد را به تو می‌بخشم.

روستایی جواب داد: بهتر از این چیزی نداری که به من ببخشی؟ یادست از سر من برداری؟!

سلطان ناراحت‌شد و خواست‌برود. روستایی عنان اسب او را گرفت و بوسه داد و گفت: مرا ببخش، چون با تو شوخی می‌کردم! او را فرود آورد و دوید جامی آب حاضر کرد و بره شیر مستی را ذبح کرد. آتش افروخت و کباب کرد و برای او حکایت‌های مضحک می‌گفت و سلطان می‌خندید.

چون لشکر از دنبال او برسد، روستایی دانست او سلطان است. سر در پیش افکند و به کار خود مشغول شد.

وقتی سلطان غذا خورد، به او گفت: باید به درگاه ما بیایی تا حق تو را به جای آورم! روستایی گفت: ما در عهد سلطان جهان آسوده‌ایم و این قدر خدمت، ارزش ندارد کسی مکافات آن کند و ما عادت نکرده‌ایم از مهمان مزد بستنیم.

سلطان از آن سخن بسیار خوشش آمد و انتظار کشید تا شاید روستایی به خدمت او بیاید، اما خبری نشد، روستایی بعداً هم به هیچ کس نگفت سلطان مهمان او بوده است. (9).

ثواب مهمانداری نزد خدا

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس مسلمانی را سیر گرداند، جز پروردگار عالم هیچ يك از

مردمان و فرشتگان مقرب و پیامبران ندانند اجر و پاداش او در قیامت چقدر خواهد بود. سپس فرمود: از جمله چیزهایی که سبب آمرزش خواهد شد، سیر کردن مسلمان گرسنه است. (10).

حکایت مهمان‌نوازی بادیه نشین

ابوالحسن می‌گوید: روزی جمعی با امام حسن مجتبی علیه السلام به حج می‌رفتند و زاد و توشه آنها از پیش رفته بود. آنها گرسنه و تشنه شدند. ناگاه از دورخیمه کهنه‌ای را دیدند. به آنجا رفتند. زنی پیر در آنجا نشسته بود. به او سلام کردند.

زن بادیه نشین پیش دوید و ایشان را اکرام کرد و گوسفندی بسته داشت. فوری آن را دوشید و شیرش را پیش مهمانان آورد و گفت: این شیر را بنوشید و گوسفند را ذبح کنید و طعام سازید. مهمانان چنان کردند و بعد از غذا به پیر زن گفتند: ما از طایفه قریشیم. وقتی بازگردیم، باید به نزد ما بیایی تا پاداش احسان تو را بدهیم.

این را گفتند و حرکت کردند. شب که شد، شوهر زن از صحرا آمد و گوسفند را ندید. زن ماجرا را به او گفت. مرد خشمگین شد و گفت: در دنیا يك گوسفند داشتی و آن را به قومی دادی که ایشان را نمی‌شناختی! زن گفت: اگر ایشان را می‌شناختم، باز رگان بودم، نه میزبان. میزبان آن است که طعام به کسی دهد که او را نشناسد.

بعد از چند روز، زن و شوهر از محنت فقر و فاقه به مدینه رفتند. پیر زن به کوچهای داخل شد. امام حسین علیه السلام کنار در منزل ایستاده بود. آن زن را شناخت و به او فرمود: ای زن! آیا مرا می‌شناسی؟ زن گفت: نه.

حضرت فرمود: من آنم که آن روز مرا به شیر و گوسفند مهمان کردی. امام به او هزار گوسفند و هزار درهم بخشید و او را نزد امام حسن علیه السلام برد. حضرت پرسید: برادرم به تو چقدر کمک کرد؟ گفت: این قدر گوسفند و درهم.

امام حسن علیه السلام دو برابر آن را به زن داد و او را به نزد عبدالله جعفر فرستاد. او از زن پرسید: ایشان به تو چقدر دادند؟

گفت: هر يك این مقدار گوسفند و درهم.

عبدالله دو هزار گوسفند و دو هزار درهم به او داد و گفت: اگر تو از اول به نزد من می‌آمدی، تو را مستغنی می‌کردم.

آن زن و شوهر به خاطر يك گوسفند که در دنیا داشتند و آن را برای مهمان ذبح کردند، با چهار هزار

گوسفند و چهار هزار درهم بازگشتند. (11).

انسان در مهمانداری و پذیرایی از مهمان نباید خساست به خرج دهد، بلکه در حد توان خود باید پذیرایی کند، چون مهمان حبیب خدا است. خدای متعال فردای قیامت به کسی که عزیزش را خدمت کرده است، آن قدر نعمت می‌دهد که تمامی مردم حسرت حال او را می‌خورند. در آن روز است که انسان افسوس می‌خورد ای کاش تمام اموال را برای مهمان خرج می‌کردم و تمام وقتم در پذیرایی از مهمان می‌گذشت، تا الآن جزو زیانکاران نباشم.

مهمانداری در جوامع مختلف

مهمانداری و مهمان‌نوازی یکی از صفات برجسته هر خانواده، شهر و یک کشور است، وقتی کسی می‌خواهد از خوبی‌های شخصی یاد کند، می‌گوید: آدم مهمان‌نوازی است و یا می‌گوید: مردم فلان شهر، آدم‌های مهماندوستی هستند و از مهمان، خوب پذیرایی می‌کنند.

مهمان‌نوازی از سجایای برجسته اخلاقی است و ملت‌هایی که بهره‌بیشتری از این سجیه اخلاقی دارند، به آن مباحثات و افتخار می‌کنند.

یکی از صفات برجسته بت‌پرستان زمان جاهلیت که اسلام نیز آن را تایید کرده و زبانزد خاص و عام بوده و هست، مهماندوستی و مهمانداری آنها؛ کج بوده است؛ حتی بعضی از طوایف عرب شب‌ها آتش در صحرا روشن می‌کردند تا اگر غریبه‌ای وارد منطقه‌شان شد، آتش را ببیند و به مهمانی آنها برود.

اعراب به افرادی که زیاد برای آنها مهمان می‌آمد صفاتی را نسبت می‌دادند؛ مثلاً می‌گفتند: «فلانی کثیر الرماد است» یعنی خاکستر خانه‌اش زیاد است؛ کنایه از این که چون مهمانش زیاد است، پخت و پز بسیار دارد و در نتیجه خاکستر خانه‌اش زیاد است.

یا می‌گفتند: فلانی حیاط خانه‌اش در ندارد؛ کنایه از این که چون مهمان زیاد به خانه‌اش رفت و آمد می‌کند، گویا برای رفاه حال مهمانان، برای خانه‌اش در نگذاشته است.

یا می‌گفتند: سگ‌های خانه فلانی زیادند؛ کنایه از این که، چون پخت و پز زیاد دارد، سگ‌ها برای چرب کردن دندان به آنجا می‌آیند.

این قبیل اوصاف هنوز در بین آنها مرسوم است.

افراد غریبه‌ای که از کشورهای دیگر به مملکت ما سفر می‌کنند و این‌جا را با ممالک خود مقایسه می‌کنند، یکی از صفات برجسته مردم کشور اسلامی ما را مهمان‌نوازی می‌دانند. آری، ایرانیان چون از امامان خود سر مشق می‌گیرند و به دستورهای آنان عمل می‌کنند، مهمان‌نواز هستند.

در هیچ جای کشور ما نمی‌توان شهر، روستا و حتی خانواده‌ای را پیدا کرد که از مهمان بدش بیاید. صائب

تبریزی در این باره چه زیبا سروده است:

خانه‌ای از خانه آینه دارم پاک‌تر هر چه هر کس آورد، با خویش مهمانش کنم
خداوند تبارک و تعالی در حدیث قدسی می‌فرماید: ای فرزند آدم! مالی که در دست تو است، مال من است و
تو هم بنده من هستی و مهمانی که برای تو می‌رسد، فرستاده من است. اگر مال مرا از فرستاده‌ام منع کنی،
به بهشت من امید نداشته باش و خواه تو را به بهشت ببرم. (12).

خانه من چون کمان پاک است از اسباب عیش پر درآرد میهمان چون تیر در کاشانه‌ام
«صائب تبریزی.»

متأسفانه در عصر ما که عصر مادیگری است، این سنت انسانی چنان محدود شده که در بعضی از جوامع
غربی تقریباً برچیده شده است. شنیده‌ایم هنگامی که بعضی از آنها به کشورهای اسلامی سفر می‌کنند و
گسترده‌گی مهمانداری و مهمان‌نوازی را که هنوز در خانواده‌های اصیل این مرز و بوم به صورت گرم و
مملو از عواطف برقرار است می‌بینند، شگفت زده می‌شوند و با خود می‌گویند چگونه ممکن است افرادی
بهترین وسایل موجود در خانه و بهترین غذاهای خود را برای پذیرایی از مهمان‌هایی که اصلاً آنها
رانی‌شناسند و یا گاهی با آنها ارتباط دارند، بگذارند.

عمل کردن به وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله است

یکی از وصیت‌های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام این بود: تو را
وصیت می‌کنم به خوب همسایه‌داری و اکرام کردن مهمان و پذیرایی از آنها. (13).
وصیت‌های پیامبر گرامی اسلام بر دو گونه است: یکی سفارش‌ها و وصیت‌های خصوصی است که شامل
حال دیگران نمی‌شود و فقط منحصر به موضوع معینی است و دیگر وصیت‌هایی که جنبه عمومی دارد که
شامل حال تمامی مؤمنان است و همه باید به آن وصایا عمل کنند تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند گردند.
یکی از مواردی که پیامبر صلی الله علیه و آله وصیت کرده و جنبه عمومیت دارد، مهمانداری است که بارها
حضرت علی و فاطمه علیهما السلام را در جاهای مختلف به آن سفارش کرده است.

مذمت‌خانه‌ای که مهمان در آن وارد نشود

اسلام خانه‌ای را که مهمان داخل آن نمی‌شود و همچنین کسی را که مهمانداری نمی‌کند و از مهمان فراری
است، مذمت کرده است.

یکی از فرق‌های اساسی انسان با موجودات دیگر این است که او هم‌نوعان خویش را در غذا، مسکن و
اموال خود شریک می‌کند، ولی موجودات دیگر مثل حیوانات، هم‌نوعان خود را فراری می‌دهند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید: هر خانه‌ای که مهمان در آن وارد نمی‌شود، ملائکه نیز داخل آن نمی‌شوند. (14).

ملائکه مایه رحمت الهی هستند و با ورود آنها نعمت نیز وارد می‌شود. پس هر خانه‌ای که ملائکه در آن نمی‌آیند، نعمت و برکت نیز از آن خانه برداشته می‌شود.
گویند: روزی حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام ناراحت و غمگین بود. از او علت ناراحتی را سؤال کردند.

حضرت فرمود: هفت روز است مهمان وارد خانه من نشده است! (15).
رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید: بدترین غذاها، غذایی است که افراد سیربه آن دعوت شوند و افراد گرسنه از آن منع گردند. (16).

پی‌نوشتها:

(1) نهج البلاغه (ترجمه دکتر شهیدی)، خ 96: سپاس خدای را که اول است و چیزی پیش از او نیست، و آخر است و پس از او موجودی نیست. برتر است و از او بالاتر چیزی نیست، نزدیک است و از او نزدیک‌تر چیزی نیست.

(2) آثار و اشعار شیخ بهایی، ص 157، با اندکی تصرف.

(3) المحاسن، ج 2، ص 180.

(4) همان، ج 2، ص 179.

(5) قرب الاسناد، ص 160.

(6) مجمع البیان، ج 7، ص 166.

(7) المحاسن، ج 2، ص 180.

(8) وسائل الشیعه، ج 16، ب 40، ص 460.

(9) جوامع الحکایات، ص 211، با اندکی تصرف.

(10) همان، ص 305.

(11) جوامع الحکایات، ص 213، با اندکی تصرف.

(12) چهل حدیث قدسی، ج 35.

(13) بحار الانوار، ج 74، ص 411، ج 22.

(14) جامع الاخبار، ص 378، ج 1058.

(15) بحار الانوار، ج 41، ص 28، ج 1.

(16) کنز العمال، ج 25881.

بخش دوم: ثمرات مهمانداری

مهمانی و مهمانداری برکات بی‌شماری دارد، از جمله ثمرات دنیوی و اخروی. ثمرات دنیوی نصیب هر فردی اعم از مؤمن و غیر مؤمن می‌شود و هیچ‌کس از ثمرات آن بی‌بهره نمی‌ماند. اما ثمرات معنوی و اخروی مهمانداری مخصوص کسانی است که نور ایمان و ولایت ائمه اطهار علیهم السلام قلب‌های آنها را منور کرده باشد.

ما می‌توانیم با عمل کردن به دستورهای اسلام و سفارش‌های معصومان علیهم السلام در مورد مهمانداری این ثمرات را برای خود ذخیره کرده و دنیا و آخرت خود را آباد سازیم.

ثمرات مهمانداری عبارتند از:

درخشش صورت

در روز قیامت هر کس هر عملی انجام داده باشد، اثر آن در چهره او نمایان خواهد شد و همه مردم او را از چهره‌اش خواهند شناخت.

کسی که در دنیا مهمان‌نوازی کرده و مهمان‌دوست بوده، در قیامت چهره‌اش مانند ماه شب چهارده خواهد درخشید و به وسیله آن وارد بهشت خواهد شد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: هیچ مؤمنی نیست که مهمان را دوست داشته‌باشد، مگر این‌که در روز قیامت وقتی از قبر بیرون آید صورتش مانند ماه‌شبه چهارده بدرخشد. کسانی که او را می‌بینند، می‌گویند: آیا پیغمبر مرسل است که این قدر نورانی است! اما در جواب آنها گفته می‌شود: او پیغمبر و نبی نیست، بلکه مؤمنی است که مهمان را دوست می‌داشته و او را اکرام کرده‌است و راهی برای او نیست جز این‌که داخل بهشت شود. (1).

بخشیده شدن گناهان و نزول نعمت

معمولا اگر کسی برادر دینی خود را زیاد دوست داشته باشد، دنبال فرصتی است که دوستی و محبت خود را به او ابراز کند.

یکی از راه‌های ابراز علاقه انسان‌ها به یکدیگر هدیه دادن است. هدیه دادن به این معنا است که من از تو کینه‌ای در دل ندارم. تو در دل من جای داری و خطاهای تو را بخشیده‌ام.

خداوند تبارک و تعالی هم اگر بنده‌ای را زیاد دوست داشته باشد و بخواهد او را ببخشد، تا با بار گناه وارد صحرای محشر نشود، از هر راهی استفاده می‌کند. یکی از این راه‌ها هدیه‌ای است که برای بنده خود می‌فرستد؛ بهترین هدیه از طرف خدا فرستادن مهمان است. مهمان هدیه‌ای است که از طرف خدا می‌آید. هدیه را باید با جان و دل قبول و از آن خوب محافظت کرد و به آن رسید.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: وقتی خداوند عزوجل خیر بنده‌ای را بخواهد، هدیه‌ای برای او می‌فرستد.

بعضی از اصحاب پرسیدند: آن هدیه چیست؟

فرمود: مهمان است، که روزی خود را می‌آورد و گناهان اهل آن خانه را با خود می‌برد. (2).
چه لطف و هدیه‌ای از این بالاتر که انسان به واسطه مهمان گناهانش آمرزیده شود و فردای قیامت بدون گناه در محضر خدا حاضر شود.

متأسفانه خیلی از خانواده‌هایی که از مهمان متنفرند، و از مهمانداری می‌ترسند، به این خاطر است که می‌گویند: خرج ما زیاد می‌شود و بچه‌های ما گرسنگی خواهند کشید! و حال آن‌که طبق روایات، مهمان علاوه بر این که سربار صاحبخانه نیست، بلکه روزی خود و آن خانواده را به همراه می‌آورد و گناهان آن خانواده به واسطه مهمان بخشیده می‌شود.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: هیچ مؤمنی نیست که صدای پای مهمان را بشنود و به واسطه آمدن مهمان خوشحال بشود، مگر این‌که گناهانش آمرزیده شود؛ حتی اگر به اندازه مسافت بین زمین و آسمان باشد. (3).

حکایت: زنی که مخالف مهمان بود

آورده‌اند که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصی بسیار مهمان دوست بود، ولی زنی بسیار خسیس داشت.

آن مرد از ترس اعتراض و فریاد برآوردن زن، از پذیرش مهمان بسیار کراهت داشت. از این رو برای حل این مشکل روزی خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رفت و کیفیت احوال و ماجرا را

تعریف کرد و از ایشان راه‌چاره خواست.

حضرت فرمود: به خانه برو و به آن زن بگو: وقتی مهمان می‌آید، از لای در مهمان‌ها را مشاهده کن و هنگام بیرون رفتن مهمان به پشت‌سر ایشان خیره شو و نگاه کن تا ببینی خداوند تبارک و تعالی چه خیر و برکتی در حق مهماندار عنایت کرده است.

آن مرد به خانه رفت و به زن خود گفت: امروز رسول خداصلی الله علیه و آله را بادو سه نفر به مهمانی طلبیده‌ام. بنابراین توقع دارم کج خلقی نکنی و بخل رافرو گذاری. حضرت فرموده‌اند: در حال داخل شدن و بیرون رفتن مهمان، آنها را نگاه کن تا آنچه را خدای تعالی به برکت مهمانی ارزانی داشته است، ببینی. مرد همسر خود را با هزار عجز و التماس راضی کرد و اسباب ضیافت راتهیبه نمود. چون وقت داخل شدن مهمانان شد، زن از لای در نگاه کرد و با تعجب دید در دامن مهمانان گوشت و میوه‌های بسیار است و آنان با این وضع داخل منزل شدند.

زن از دیدن این منظره بسیار خوشحال شد و چون وقت بیرون رفتن مهمانان شد، باز از همان‌جا نگاه کرد. دید گزنده‌ها و مار و کژدم‌های بسیار، در دامن ایشان آویخته، از خانه بیرون می‌روند. زن تعجب‌کنان نزد شوهر آمد و گفت: هنگام ورود و خروج مهمان‌هاچنین چیزی دیدم. تعبیر آن چیست؟ مرد گفت: من دلیل آن را از رسول خداصلی الله علیه و آله خواهم پرسید.

پس از این گفت‌وگو، روز بعد مرد به خدمت رسول خداصلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد: یا رسول الله! عیال من چنین نعمت‌هایی در هنگام داخل شدن مهمانان دیده و در وقت بیرون رفتن هم مشاهده نموده است که گزنده‌ها به دامن آنها آویزانند و بیرون می‌روند!

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: آن نعمت‌ها برکت‌هایی است که خداوند عالم به سبب مهمانی و میزبانی ارزانی فرموده و آن گزنده‌ها، گناهان صاحبخانه است که بیرون می‌رود.

پس از آن، زن چنان راغب مهمان شد که تمام عمر در مهمانی دادن، به شوهر خود سفارش می‌کرد. (4). رسول گرامی اسلامصلی الله علیه و آله می‌فرماید: وقتی مهمان بر قومی وارد می‌شود، روزی او از آسمان نازل می‌گردد و وقتی از غذای صاحبخانه می‌خورد، خداوند گناهان اهل خانه را به سبب نزول مهمان می‌بخشاید. (5).

رزق ما با پای مهمان می‌رسد از خوان غیب میزبان ما است هر کس می‌شود مهمان ما» ۷صائب تبریزی.

مراد از گناهانی که در این روایت و روایات دیگر آمده که آمرزیده می‌شوند، گناهانی است که حق الناس نباشند، چون حق الناس به هیچ عنوان آمرزیده نمی‌شود، مگر این‌که انسان آنها را جبران کند و یا صاحب آن از حق خود بگذرد و انسان را حلال کند.

با تمام این احوال که میزبان باید از مهمان پذیرایی کند، غذا و امکانات خود را در اختیار او قرار دهد، او

را اکرام کند و موجب رنجش خاطر اونشود، باز هم برتری مهمان بر میزبان بیشتر است! زیرا مهمان با ورودش برای اهل خانواده دعا می‌کند و فراوانی روزی آنها را از خداوند منان می‌خواهد، در حالی که میزبان علاوه بر این که این ثمرات را برای مهمان ندارد، مرتب‌تر می‌زند و آه و ناله او بلند است و با خود فکر می‌کند مهمان روزی او را می‌خورد.

حسین بن نعیم صحاف می‌گوید: امام جعفر صادق علیه السلام از من پرسید: ای حسین! آیا برادران دینی‌ات را دوست داری؟

عرض کردم: آری.

فرمود: آیا به مستمندان آنان سود می‌رسانی؟

گفتم: آری، قربانت گردم.

فرمود: همانا بر تو لازم است که دوست داشته باشی کسی را که خدا او را دوست دارد. به خدا قسم! به

هیچیک از آنها سود نرسانی جز آن که دوستش داشته باشی. آیا آنها را به منزلت دعوت می‌کنی؟

عرض کردم: آری، غذا نمی‌خورم مگر آن که دو یا سه تن یا کمتر یا بیشتر از آنها همراه باشند.

حضرت فرمود: باین حال، فضیلت آنها بر تو بیش از فضیلت تو بر آنهاست!

با تعجب پرسیدم: قربانت گردم! غذای خود را به آنها می‌خورانم و آنها را روی فرشم می‌نشانم و خدمت آنها

را می‌کنم، باز فضیلت آنها بر من بیشتر است؟!

فرمود: آری، چون هرگاه آنها به منزلت آیند، همراه آمرزش تو و عیالت می‌آیند و چون از منزلت بیرون

روند، با گناه تو و عیالت بیرون می‌روند. (6).

اسلام شخصیت تازه وارد و مهمان را حفظ کرده و صریحا می‌گوید: وی سربار خانواده نیست، بلکه وی با

روزی خود آمده و رحمتی است که فرستاده شده است.

همه مؤمنان باید خود را در معرض این رحمت الهی قرار دهند، تا موجب خشنودی خداوند عزیز گردند.

هر که را بینی به گیتی، روزی خود می‌خورد گر ز خوان تو است نانش یاز خوان خویشتن.

پس تورا منت ز مهمان داشت باید بهر آنک می‌خورد بر خوان احسان تو نان خویشتن

«ابن یمین.»

مهمان راهنمای بهشت است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: مهمان راهنمای بهشت است. (7).

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس سه تن از مردم خداشناس را غذا دهد، خداوند تبارک و

تعالی او را از سه بهشت که عبارتند از: فردوس اعلی، جنت عدن و طوبی غذا می‌دهد. (8).

آن حضرت در روایت شریفه دیگری می‌فرماید: هر کس گرسنه‌ای را سیر گرداند، خداوند برای او نه‌ری

در بهشت جاری می‌سازد. (9).

در سیر کردن افراد فرقی بین فقیر و غنی نیست؛ یعنی اگر کسی شخص گرسنه ثروتمندی را سیر گرداند و یا به مهمانی دعوت کند، باز همین ثواب را دارا است، زیرا در بسیاری از روایات وارد شده است: هر کس شکم گرسنه‌ای را سیر گرداند، و فرقی نگذاشته‌اند بین این‌که آن شخص فقیر باشد یا غنی. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس شکم گرسنه‌ای را سیر گرداند، بهشت‌بر او واجب می‌شود. (10)

جهنم بر او حرام می‌گردد

روزی شخصی بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وارد شد و عرض کرد: یا رسول الله! من مردی هستم که خوب وضو می‌گیرم، نماز را مرتب می‌خوانم، زکات مال را به موقع می‌پردازم و با رضایت خاطر مهمان دعوت می‌کنم. حال من فردای قیامت چگونه است؟ حضرت فرمود: جهنم هیچ راهی بر تو ندارد. اگر واقعا این‌طور باشی خداوند تو را از سختی‌ها نجات می‌دهد.

برابر با سیر کردن یکصد هزار نفر است

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس مؤمنی را طعام دهد و قصدش نزدیکی به خدا باشد، مانند کسی است که فنامی از مردم را سیر گرداند! ربعی می‌گوید: از حضرت پرسیدم: معنی «فنام» چیست؟ فرمود: یکصد هزار تن از مردم را فنام گویند. (11). ثواب غذا دادن به برادر دینی و دعوت کردن او حتی از غذا دادن به فقیر گرسنه بیشتر است، زیرا این کار علاوه بر این‌که عمل کردن به سفارش‌نامه اطهار علیهم السلام است، موجب می‌شود در قلوب مؤمنان الفت و نزدیکی بیشتری به وجود آید و آنها قوی‌تر گردند و در نتیجه عزت و سربلندی اسلام بیشتر شود. پس مؤمن به این طریق با يك تیر دو نشان می‌زنند، در حالی که در صورت اول فقط ثواب مهمانداری را می‌برد.

برابر با نجات دادن چهارتن از اولاد اسماعیل از اسارت است

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: هر کس چهارتن از مسلمانان را اطعام کند، مانند آن است که چهار تن از اولاد اسماعیل ذبیح الله را از اسارت نجات داده است. (12).

مهمان‌نوازی در بهشت

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس گرسنه‌ای را سیر گرداند، خداوند برای وی خوانی در بهشت ترتیب می‌دهد که همه خلائق - جن و انس - از سر آن سفره سیر برخیزند. (13).

سیر کردن يك مؤمن بهتر از سیر کردن ده مسکین است

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر يك برادر مؤمن را که برای خدا با او برادری می‌کنم، سیر کنم، بهتر است نزد من از آن که ده مسکین را سیر کنم. (14).

یکی از نشانه‌های ایمان است

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: یکی از نشانه‌های ایمان، خوش خلقی و مهمانی دادن است. (15). یکی از دلایلی که بعضی از مهمان خوششان نمی‌آید و مهمان‌نواز نیستند، ضعف ایمان آنها است. اگر ایمان انسان قوی باشد و یقین پیدا کند فردای قیامت برای مهمانداری چه پاداشی در نظر گرفته شده است، تمام سعی و تلاش او در دنیا این می‌شود که مهمانداری کند.

حکایت: کریم‌تر از حاتم طایی

از حاتم طایی پرسیدند: آیا از خود کریم‌تر دیده‌ای؟

گفت: آری، روزی در بادیه می‌رفتم، به خیمه‌ای رسیدم. پیرزنی در آن بود و بزی در پس خیمه بسته بودند. وقتی به آنجا رسیدم، زال پیش من دوید و مرا خدمت کرد و عنان شتر مرا گرفت تا فرود آمدم. بعد از چند لحظه‌ای پسر او هم آمد و با بشاشتی هر چه تمام‌تر از حال من سؤال کرد. زن به پسرش گفت: برخیز و به مصالح مهمان قیام نمای و وسایل پذیرایی را آماده کن و آن بز را ذبح و طعام درست کن. پسر گفت: اول بروم از صحرا هیزم بیاورم؟ زن گفت: تا تو به صحرا بروی و هیزم آوری، دیر می‌شود. مهمان را گرسنه داشتن از مروت دور بود! پس دو نیزه داشت. هر دو را شکست و آن بز را کباب کرد و نزد من آورد. چون تفحص از حال آنان کردم، جز آن بز چیز دیگری نداشتند و آن را ایثار من کردند. از زن پرسیدم: می‌دانی من کیستم؟ زن گفت: نه، نمی‌دانم شما چه کسی هستید.

گفتم: من حاتمم. باید به قبیله ما بیایی. در حق شما تکلیفی واجب دارم و باید حق این ضیافت را بگزارم. زن گفت: ما جزا بر مهمانی نستانیم و نان به بها نفروشیم. و از من هیچ قبول نکردند و من دانستم که ایشان از من کریم‌ترند. (16).

دشمنی‌ها را تبدیل به دوستی می‌کند

اگر کسی از برادر دینی‌اش کینه‌ای در دل داشته باشد و یا با او دشمنی‌ورزد، یکی از راه‌های بسیار خوب و مؤثر برای برقراری آشتی این است که او را به مهمانی در منزل دعوت کند، هر چند از این کار کراهت داشته باشد. به محض دعوت کردن، دشمنی و کینه‌ها تبدیل به دوستی و صداقت می‌شود و از طرفی رضایت‌خداوند جلب می‌شود، چون رضای خدا در این است که بین مؤمنان دشمنی نباشد و همه باهم برادر و یکدل و یکرنگ باشند.

حکایت: عادت ملك کرمان

آورده‌اند که ملکی در کرمان بود، در غایت کرم و مروت. عادت او چنین بود که اگر فرد غریبی به آن شهر می‌آمد، او سه روز آن فرد را مهمان خود می‌کرد و از او پذیرایی می‌نمود. روزی لشکر عضدالدوله به کرمان حمله کرد و آن ملك طاقت مقاومت با ایشان را نداشت. لذا در دژی رفت و هر روز صبح که می‌شد، بیرون می‌آمد و جنگ سختی با آنها می‌نمود و عده‌ای را می‌کشت. اما شب که می‌شد، مقدار زیادی غذا و میوه جات برای آنها می‌فرستاد، به اندازه‌ای که تمام لشکر دشمن سیر می‌خوردند.

عضدالدوله از این کار تعجب کرد و يك نفر را مخفیانه پیش او فرستاد، و پرسید: این چه کاری است که تو می‌کنی؟ روز آنها را می‌کشی و شب به آنها غذا و امکانات می‌دهی!

ملك در جواب گفت: جنگ کردن اظهار مردی است و نان دادن اظهار جوانمردی. ایشان اگرچه دشمن من هستند، اما در این ولایت غریب‌اند و چون غریب باشند، مهمان ما هستند و از جوانمردی نیست که مهمان را بی غذا گذاشت.

عضدالدوله با خود گفت: کسی که چنین با مروت و جوانمرد است، جنگ کردن ما با او اشتباه است. لذا از اطراف دژ برخاست و آن ملك به خاطر مهمانداری نیکو از شر دشمن خلاصی یافت. (17).

مهمان‌نواز در امنیت است

دین مقدس اسلام برای افراد مهمان‌نواز - هر عقیده و مسلکی که داشته‌باشند - اهمیت زیادی قایل است و به آنها احترام ویژه‌ای می‌گذارد؛ هرچندکه اهمیت و احترام گذاردن برای منحرفان و کفار، فقط در دنیا است و در آخرت هیچ بهره‌ای ندارند و تنها ثمرات دنیوی مهمانداری شامل حال آنها می‌شود، اما همین مقدار که امتیازات زیادی شامل حال آنها می‌شود و نسبت به دیگران برتری دارند، اهمیت مهمان‌نوازی را می‌فهماند.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: روزی عده‌ای از اسیران را خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آوردند تا آنها را به خاطر جنایات و خیانت‌هایی که کرده بودند، به قتل برسانند. مردی از آنها را پیش آوردند تا حکم اعدامش را اجرا کنند. در این هنگام جبرئیل از طرف خداوند بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: اعدام این شخص را به تاخیر اندازید! پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) وی را برگرداند و پس از اجرای حکم اعدام درباره سایر رفقایش وی را طلبید و با او صحبت کرد.

در این هنگام باز جبرئیل علیه السلام نازل شد و عرض کرد: خداوند می‌فرماید: این مرد دیگران را اطعام می‌کرد و مهمان‌نواز بود و در ناملایمات صبر می‌کرد، وی را عفو نما. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را به برکت این فضیلت بزرگ و ارزشمند آزاد فرمود. آن مرد وقتی علت آزادی خود را فهمید، تعجب کرد و اسلام آورد و سپس گفت: قسم به پروردگاری که تو را به نبوت برگزیده است! هیچ‌گاه کسی را از مال خویش محروم نگردانیدم. (18).

برابر با آزاد کردن يك بنده در راه خدا است

شخصی خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رسید و سؤال کرد: چه عملی ثوابش مساوی با آزاد کردن يك بنده است؟

حضرت فرمود: غذا دادن به يك شخص مسلمان مؤمن. (19).

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر مؤمنی را اطعام کنم، نزد من بهتر است از این‌که به دیدارش بروم، و اگر به دیدارش بروم، نزد من بهتر و محبوب‌تر است از این‌که ده بنده را آزاد کنم. (20).
نصرین قابوس می‌گوید: روزی نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودیم. آن حضرت فرمود: طعام دادن به يك مؤمن نزد من محبوب‌تر است از آزاد کردن ده بنده و گزاردن ده حج!

عرض کردم: ده بنده و ده حج؟!!

فرمود: ای نصر! اگر شما طعامش ندهید، می‌میرد یازبون می‌شود، زیرا اواز فشار گرسنگی نزد

ناصبی‌ها و دشمنان ما می‌رود و از آنان درخواست می‌کند و مردن برایش بهتر از درخواست کردن از ناصبی است.

ای نصر! هر که مؤمنی را زنده کند، مثل این است که همه مردم را زنده کرده است. اگر به او طعام ندهید، او را کشته‌اید و اگر اطعامش کنید، او را زنده کرده‌اید. (21).
و نیز آن حضرت فرمود: اگر پنج درهم برگیرم و به بازار شما درآیم و طعامی بخرم و چند نفر از مؤمنان را گرد آورم، نزد من محبوب‌تر است از این‌که بنده‌ای را آزاد کنم. (22).

در خانه او برکت می‌آید

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: همانا خداوند عزیز و جلیل غذا دادن در راه خودش را دوست دارد و کسی را که در راه او به مردم غذا می‌خوراند، دوست دارد و برکت در خانه او سرعت می‌گیرد، سریع‌تر از پرنده‌ای که به لانه می‌رود. (23).

پی‌نوشتها:

- 1) مستدرک الوسائل ، ج 16 ، ب 33 ، ص 257.
- 2) همان ، ج 4.
- 3) همان ، ج 5.
- 4) آثار و اشعار شیخ بهایی ، ص 156.
- 5) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 459 ، ح 6.
- 6) اصول کافی ، ج 3 ، ص 289 ، ح 8.
- 7) مستدرک الوسائل ، ج 16 ، ب 33 ، ص 157.
- 8) ثواب الاعمال ، ص 305.
- 9) همان ، ص 408.
- 10) همان ، ص 409.
- 11) همان ، ص 304.
- 12) همان ، ص 206 ، ح 3.
- 13) همان ، ج 2.
- 14) حلیة المتقین ، ص 60.
- 15) بحار الانوار ، ج 71 ، ص 392 ، ج 56.

- 16) جوامع الحکایات ، ص 214 ، با کمی تصرف.
- 17) همان ، ص 216 ، با اندکی تصرف.
- 18) فروع کافی ، ج 1 ، ص 176.
- 19) اصول کافی ، ج 3 ، ص 290 ، ح 16.
- 20) همان ، ص 291 ، ح 18.
- 21) همان ، ص 291 ، ح 20.
- 22) همان ، ص 291 ، ح 15.
- 23) بحار الانوار ، ج 74 ، ص 368 ، ح 55.

بخش سوم: وظایف میزبان

در مهمانی و مهمانداری، مهمان و میزبان وظایفی نسبت به یکدیگر دارند که باید آنها را مراعات کنند. بعضی از این وظایف برای راحتی حال مهمان و میزبان است و بعضی به خاطر زیاد شدن ثواب مهمانداری و مهمانی رفتن است.

دین مقدس اسلام سفارش مؤکد به مهمانداری و مهمان‌نوازی کرده و وظایفی را معین کرده است که ائمه اطهار علیهم السلام این وظایف را بیان کرده‌اند. ما می‌توانیم با عمل کردن به آنها به ثواب‌های بسیار زیادی برسیم و به این وسیله دنیا و آخرت خود را آباد کنیم.

اما وظایفی که مخصوص میزبان و مهماندار است، عبارتند از:

به کار نگرفتن مهمان

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: یکی از وظایف میزبان این است که مهمان را به کار نگیرد. به کار گرفتن مهمان جفا و ظلم در حق او است. (1).

متأسفانه یکی از عادات بد عده‌ای از مردم این است که وقتی برای آنها مهمان می‌رسد، از فرصت استفاده کرده و او را به کار می‌گیرند و تا جایی که ممکن باشد، از او کار می‌کشند در حالی که این عادت کاملاً مخالف دستور و شؤونات اخلاقی ائمه اطهار علیهم السلام و علمای دین است.

روزی برای حضرت امام رضا علیه السلام مهمان رسید. حضرت نزد او نشست و بعد از شام تا نیمه شب با او صحبت کرد و صحبت‌های او را شنید. در این هنگام چراغی که در آنجا روشن بود، خراب شد و نزدیک بود خاموش شود.

مهمان دستش را دراز کرد تا آن را درست کند. امام رضا علیه السلام او را نهی کرد و نگذاشت مهمان این کار را بکند و خود چراغ را درست کرد و فرمود: ما قومی نیستیم که مهمانمان را به کار گیریم و از او کار بکشیم. به همین خاطر نگذاشتم تو چراغ را درست کنی. (2).

در جایی که امام علیه السلام راضی نمی‌شود مهمانش حتی برای تعمیر کردن یک چراغ به زحمت بیفتد و خودش این کار را می‌کند، ما هم که شیعه‌ان حضرت هستیم، باید به دستور آن بزرگوار عمل کرده و مهمانانمان را به کار نگیریم.

ابن ابی‌یعفور می‌گوید: روزی دیدم برای امام صادق علیه السلام مهمان رسید. در همان شب آن شخص برخاست که بعضی از کارها را انجام دهد و زحمتی را از دوش امام علیه السلام بردارد. وی می‌خواست به این وسیله به حضرت خدمت کرده باشد.

امام علیه السلام تا به این قضیه پی برد، او را نهی کرد و نگذاشت کاری انجام دهد، و خود بلند شد و کارها را انجام داد و فرمود: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نهی کرد از این که کسی مهمان را به کار گیرد. (3).

غذا خوردن با مهمان

یکی از وظایف اخلاقی میزبان این است که همراه مهمانانش غذا بخورد و از غذا دست نکشد تا همه مهمان‌ها سیر شوند و کنار بکشند، زیرا ممکن است بعضی از مهمان‌ها کمرو باشند و در صورت غذا نخوردن صاحبخانه، آنان هم غذا نخورند و یا هنوز سیر نشده، دست از غذا خوردن بکشند.

علت دیگر این است که مهمان فکر بدی درباره غذا نکند. چون اگر صاحبخانه غذا نخورد، ممکن است مهمان فکر کند غذا دارای اشکالی بوده یا عیب و ایرادی داشته که میزبان همراه مهمان غذا نخورده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی مهمانی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رسید، همراه او غذا میل می‌کرد و دست از غذا نمی‌کشید تا مهمان سیر می‌شد و کنار می‌کشید. (4).

غذا خوردن با مهمان علاوه بر این که موجب نزدیکی دل‌های مؤمنان می‌شود و سوء ظن‌ها را از بین

می‌برد، موجب رضایت و دوستی خدا و رسول می‌شود و این پاداشی بسیار بزرگ است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر کس دوست دارد خدا و رسولش او را دوست داشته باشند، با مهمانش غذا بخورد. (5).
و نیز می‌فرماید: هر کس غذایش را با مهمانش بخورد، تمام حجاب‌های ظلمانی بین او و خدا از بین می‌رود. (6).

حکایت: غذا خوردن حضرت علی علیه السلام با مهمانانش

روزی عده‌ای دزد را نزد حضرت علی علیه السلام آوردند تا حکم شرعی را درباره آنها به اجرا در آورد. حضرت بعد از اجرای حکم شرعی و قطع کردن انگشتان آنها فرمود: حال داخل مهمانسرا شوید، و به یکی از اصحاب دستور داد که دست آنها را معالجه کند و به آنها روغن و عسل و گوشت خورانیید تا این‌که بعد از چند روزی خوب شدند.

روزی حضرت آنها را به خانه خود دعوت کرد و فرمود: دست‌های شما زودتر از خودتان به آتش جهنم سبقت گرفتند. حال اگر خودتان می‌خواهید نجات پیدا کنید، توبه کرده و از این غذا بخورید. بعد از حاضر شدن غذا، حضرت دستش را به بهانه درست کردن چراغ‌دراز کرد و آن را خاموش نمود و بعد آن را به حضرت زهرا علیها السلام داد و فرمود: روشن کردن آن رابه تاخیر بینداز تا مهمان‌ها خوب غذا بخورند، بعد که تو را صدا زدم، آن را بیاور!

حضرت کنار مهمان‌ها در تاریکی نشست و بدون این‌که غذا میل کند، دهان مبارکش را می‌جنباند. مهمان‌ها فکر می‌کردند در حال خوردن است. و آنها هم تا آخر غذا را خوردند و سیر شدند و دست از غذا خوردن کشیدند.

حضرت علی علیه السلام وقتی فهمید مهمان‌ها دست از غذا خوردن کشیده‌اند، حضرت زهرا علیها السلام را صدا زد و فرمود: زهرا جان! پس این چراغ چه شد، چرا آن را نمی‌آوری؟
حضرت زهرا علیها السلام چراغ را روشن کرد و آن را آورد. وقتی در روشنایی به سفره نگاه کردند، دیدند تمام غذا باقی است و چیزی از آن کم نشده است!

امیر المؤمنین علی علیه السلام به مهمان‌ها گفت: چرا غذا میل نکردید؟!
عرض کردند: ما غذا خوردیم و سیر شدیم، ولی خدای عزیز به غذای شما برکت داده است.
بعد حضرت علی علیه السلام از آن غذا میل کرد و سیر شد. حضرت زهرا و حسنین علیهما السلام نیز غذا خورده و سیر شدند. از آن غذا به همسایه‌ها هم دادند، در حالی که غذا همچنان باقی بود و از آن کم نمی‌شد. صبح که شد حضرت علی علیه السلام خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی چشمش به علی علیه السلام افتاد، در حالی که لبخند شادی بر لب داشت، فرمود: خداوند تبارک و تعالی از کاری که دیشب کردی، خشنود شد و به خاطر این که چراغ را خاموش کردی و غذا نخوردی تامهمانها سیر شوند، به غذای تو برکت داد، بهطوری که هر چه از آن مصرف می کردید، چیزی کم نمی شد.

علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله! کی تو را خبر داد؟!

حضرت فرمود: جبرئیل علیه السلام این آیه را در شان تو از طرف خدا بر من خواند: «ویؤثرون علی انفسهم...». (7).

علت تاکید ائمه اطهار علیهم السلام به غذا خوردن با مهمان این است که بعضی از مهمانها کمرو هستند و به همین خاطر غذا نمی خورند مگر این که ابتدایمیزبان شروع به خوردن کند، و اگر او زود دست از غذا خوردن بکشد، آنها نیز دست از غذا خوردن می کشند، هر چند سیر نشده باشند. دین مبین اسلام برای حل این مشکل سفارش کرده خوب است میزبان قبل از همه شروع به خوردن کند و بعد از همه دست از غذا بکشد تا کسی گرسنه نماند.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی با عده ای غذا میل می کرد، اولین کسی بود که شروع به خوردن می کرد و آخرین کسی بود که دست از غذا خوردن می کشید. (8) امام کاظم علیه السلام می فرماید: وقتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله مهمان می رسید، همراه او غذا می خورد و دست از غذا نمی کشید تا غذای مهمان تمام می شد. (9)

شایان ذکر است غذا خوردن مهمان با میزبان عمومیت ندارد، یعنی این که در زمانها و اماکن عادات و رسومات مختلف است. ممکن است در زمانی برای مراعات حال مهمان غذا خوردن با او بهتر باشد، اما در زمان و یا مهمان دیگر غذا نخوردن بهتر باشد. لذا در مورد اول باید با مهمان غذا بخورد و در مورد دوم خوب است او را تنها گذاشت، تا غذایش را میل کند. هر طور که مهمان راحت باشد و در سختی قرار نگیرد، اسلام دستور داده است همان طور با او رفتار کنیم.

غذا را هر چه زودتر برای مهمان آماده کند

مهمان وقتی از راه می رسد، مخصوصا اگر مسافر باشد، غالبا خسته و گرسنه است. هم نیاز به غذا دارد و هم استراحت. لذا باید هر چه زودتر غذای او را آماده کنند تا بتواند استراحت کند. برای این کار لازم نیست غذای مفصل درست کنند، بلکه هر غذایی که آماده و دم دست باشد، برای او فراهم آورند.

یکی از روش های بسیار پسندیده حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام همین بود که غذای مهمان را خیلی زود آماده و نزد او حاضر می کرد، بدون این که تکلفی به خرج داده و خود را به زحمت بیندازد؛ مانند روزی که

ملائکه عذاب قوم لوط علیه السلام به منزل او وارد شدند. حضرت ابراهیم علیه السلام فکر کرد آنها انسان هستند. لذا خیلی زود گوساله‌ای را که دم دست داشت ذبح و بریان کرد و نزد آنها آورد. بعدا فهمید آنان ملائکه هستند و غذا نمی‌خورند (فما لبث ان جاء بعجل حنیذ؛ (10) چیزی نگذشت که گوساله‌ای را بریان کرده، نزد آنها آورد).

خود را به زحمت نیندازد

مهمان دو گونه است: مهمانی که بدون اطلاع و دعوت قبلی به خانه کسی می‌رود و دیگری که با اطلاع و دعوت به مهمانی می‌رود و به منزل برادر مؤمنش وارد می‌شود. میزبان در مورد اول لازم نیست برای تهیه غذا و پذیرایی از مهمان، خود را به زحمت بیندازد، بلکه هر غذایی که آماده داشت، برای او حاضر کرده و به این وسیله از او پذیرایی کند. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی برادر مؤمنت به مهمانی تو آمد، آنچه غذا حاضر داری، برای او بیاور. اما اگر او را دعوت کردی، آنچه در توان داری، برای او حاضر و به این وسیله از او پذیرایی کن. (11).

هر کس به خوان قسمت خود رزق می‌خورد از کم بضاعتی خجل از میهمان مباش
«صائب تبریزی.»

در این مورد هم هیچ فرقی بین مهمانان نیست. مهمان هر کس که باشد، دستور اسلام این است که انسان نباید خود را به خاطر او به زحمت بیندازد.

حکایت: پذیرایی اعرابی از خلیفه

روزی خلیفه مهدی عباسی، به شکار رفته و از لشکر دور افتاده بود. همچنان که حیران و سرگردان در صحرا می‌گشت، ناگاه به خیمه اعرابی بادیه‌نشین رسید. هوا گرم و خلیفه تشنه و گرسنه بود. خلیفه به خیمه اعرابی وارد شد و روبه او کرده، پرسید: ای اعرابی! آیا مهمان می‌خواهی؟

اعرابی گفت: می‌خواهیم، اگر به آنچه هست، قانع شوی و عیب نگیری!
خلیفه گفت: قبول است. حال برو و آنچه حاضر است، بیاور.

اعرابی مقداری ماست و نان داشت. آورد و خلیفه میل کرد. بعد گفت: ای اعرابی! غذای خوبی بود. دیگر چه داری؟

اعرابی کوزه آبی داشت. پیش آورد و قدحی پر کرد و به خلیفه داد.

خلیفه نوشید. آن‌گاه به اعرابی گفت: آیا مرا می‌شناسی؟

اعرابی گفت: خیر، شما را نمی‌شناسم. خلیفه گفت: من از خواص امیرالمؤمنین مهدیم!
اعرابی گفت: شاید راست‌بگویی.

خلیفه قدحی دیگر نوشید و گفت: من از جمله سپهسالاران امیرالمؤمنین مهدیم!
اعرابی باشنیدن این حرف کوزه را از پیش او برداشت و سر کوزه را محکم کرد و يك سو نهاد.
مهدی پرسید: چه می‌کنی؟!

گفت: و الله دیگر آب به تو نمی‌دهم. وقتی قدح اول را نوشیدی، ادعا کردی از نزدیکان خلیفه‌ای. دوم را که خوردی، گفתי سپهسالاری. قدح سوم را که بخوری، دعوی خلافت می‌کنی، و اگر چهارم را بخوری، دعوی نبوت می‌کنی و می‌گویی محمد رسول الله‌ام و همی ساعت فرشتگان در آیند و مرا به زحمت‌اندازند! مهدی از این سخن بسیار خندید و بعد از ساعتی لشکر و خدم او آمدند و اعرابی را جایزه زیادی داد. (12)

خنده روی میهمان را گل بجیب افشاندن است تنگ خلقی کفش پیش پای مهمان ماندن است
«صائب تبریزی.»

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: خود را به خاطر مهمان به زحمت‌نیندازید، زیرا این کار موجب ناراحتی مهمان می‌شود و کسی که مهمان را ناراحت کند، خدا را ناراحت کرده است و کسی که خدا را ناراحت کند، خدا او را [به عذاب در جهنم] ناراحت می‌کند.
در روایت آمده است: عده‌ای به مهمانی حضرت یونس علیه السلام رفتند. حضرت مقداری باقلا از مزرعه خود چید و با کمی نان خشک برای آنها آورد و فرمود: اگر خداوند افرادی که خود را به خاطر مهمان به سختی می‌اندازند، لعنت نکرده بود، من خود را به خاطر شما به زحمت می‌انداختم.
میزبان در پذیرایی از مهمان باید طوری رفتار کند که مهمان احساس مزاحمت نکند و اگر بداند میزبان برای پذیرایی از او به زحمت می‌افتد و به وسیله قرض گرفتن و مشقت زیاد لوازم پذیرایی را آماده می‌کند، این کار موجب دلسردی او شده و برای رفع مزاحمت سعی می‌کند کمتر به دیدن و مهمانی بیاید. این کار موجب دوری مؤمنان از یکدیگر شده و اتحاد و دوستی میان آنها رو به سردی می‌گراید. اما اگر تشریفاتی نباشد و میزبان از آنچه خود و خانواده می‌خورند، بدون تکلف برای مهمان نیز بیاورد، دیگر او نیز احساس مزاحمت و سربار بودن نمی‌کند و دفعات بعد نیز به دیدن میزبان خواهد آمد و دوستی میان آنها بیشتر خواهد شد.

حکایت: مهمانی دادن دو دوست

گویند در زمان‌های قدیم دو نفر بودند که رفاقت و صمیمیت آنها زبانزد خاص و عام بود و خیلی با صداقت رفتار می‌کردند.

روزی یکی از آن دو دوست به مهمانی دوست خود رفت. میزبان در ضیافت او تکلف کرد و انواع غذاها را آماده کرد و اگر پول نداشت، از مغازه‌ها نسیمه گرفت، تا به مهمان خوش بگذرد.

بعد از سه روز مهمان عزم رفتن کرد، و وقت خدا حافظی گفت: واقعا که رسم مهمانداری را بلد نبودی! اگر زمانی به مهمانی من بیایی، به تو آیین مهمانداری را یاد می‌دهم.

میزبان خجل شد و اندیشید در ضیافت او چه کوتاهی کرده و کدام نکته رافرو گذاشته و انجام نداده‌ام.

مدتی در این اندیشه بود تا این‌که روزی او را بدان شهر دوست سفری اتفاق افتاد و به خانه دوستش رفت.

آن دوست مقدم او را عزیز داشت و فوراً نان و سرکه پیش آورد. آن‌گاه سفره، کاسه‌ای چوبی و سه نوع خوردنی پیش او نهاد.

مهمان با خود فکر کرد شاید فردا تکلف می‌کند و پذیرایی اصلی را انجام می‌دهد، اما روز دیگر نیز غذای سرد پیش او نهاد!

مرد متحیر شد و با خود گفت: چندان که تکلف کردم، در مهمانداری مرا مقصر خواند، پس چرا خود تکلف نمی‌کند؟

روزی پرده حشمت از میان برداشت و شرم و خجالت را به کناری نهاد و از او پرسید: دوستان این‌طور مهمانداری می‌کنند؟!

میزبان گفت: آری، تکلف مال بیگانگان است. وقتی من به منزل تو آمدم، خواستم یک ماه تو را ببینم و در خدمت تو باشم. چون طریق تکلف پیش‌داستی، دانستم از وجود من به تنگ آمده‌ای. پس کفش در پای کردم و از خدمت تو دور شدم. و چون تو آمدی، من از معمول خویش زیادت نمی‌کنم و زیاده‌روی نمی‌نمایم، و بر وجود تو منتهی نمی‌نهم، و اگر یک سال هم مهمان من باشی، مرا هیچ بار گرانی نخواهد بود.

مرد عاقل بود و انصاف بداد و یقین کرد تکلف کردن با مهمان از عادت کرام نیست، و روی ترش کردن با مهمانان جز سیرت لئیمان نباشد. (13).

میزبان نباید آنچه را برای مهمان حاضر می‌کند، کم و حقیر شمارد و آن را در شان مهمان نداند، چون در این صورت نعمت خدا را ناچیز شمرده و این خود نوعی ناسپاسی است.

اگر انسان برادر دینی‌اش را دعوت کرد، باید تا توان دارد، از او پذیرایی کند و وسایل رفاه و آسایش او را فراهم نماید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر کسی هزار درهم را صرف طعامی کند و مؤمنی از آن بخورد،

اسراف نکرده است. (14).

اسراف آن است که کسی غذایی درست کند و بدون این‌که خورده شود، آن را دور بریزد، اما اگر غذایی گران قیمت درست کند که خود و خانواده‌اش یا مؤمنی از آن بخورند، اسراف نیست. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: از غذاهای حلال بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید، هر نوع غذایی را این‌آیه در بر می‌گیرد، مگر غذاهای حرام یا شبهه ناک را.

متأسفانه عده‌ای از افراد پولدار و ثروتمند، تحت عنوان مهمانی و پذیرایی از مهمان، اسراف می‌کنند و به عنوان عمل کردن به دستور اسلام، اسلام را بد نام کرده و دستورهای دینی را مسخره نموده، آبروی اسلام را برده و مایه‌ننگ اسلام شده‌اند.

عده‌ای از فرمانروایان با این بهانه، بیت المال را به باد فنا داده و حق فقرا را از بین برده‌اند.

نباید از مهمان پرسید غذا خورده است یا نه

یکی دیگر از وظایف میزبان این است که بدون این‌که از مهمان سؤالی کند، هر غذایی را که در خانه داشت، برای او بیاورد تا میل کند و اگر غذا نخورد، آن را بردارد، چون بعضی از مهمان‌ها کمرو هستند، و اگر از آنها پرسیده شود غذا خورده‌اند یا نه، می‌گویند: آری، در حالی که ممکن است بسیار هم گرسنه باشند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی برادر مؤمنی به خانه‌ات آمد، از او پرس‌چیزی خورده یا نه. هرچه حاضر داری، نزد او بیاور، که جواد و جوانمرد کسی است که هر چه دارد، حاضر سازد. (15). (در باره حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم آمده است: وقتی ملائکه می‌خواستند عذاب را بر قوم لوط نازل کنند، اول به خانه حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند، و حضرت بدون این‌که از آنها سؤال کند غذا خورده‌اند یا نه، گوساله‌ای را برای آنها بریان کرد و نزد آنها حاضر نمود.

اگر حضرت ابراهیم علیه السلام ابتدا می‌پرسید غذا خورده‌اند یا نه، دیگر غذا درست کردن معنا نداشت؛ پس معلوم می‌شود حضرت به وظیفه خود عمل کرده است.

حکایت: عرب جوانمرد

هنگامی که عبدالله بن عباس نابینا شد، از مدینه به شام رفت و غلامی به نام خشم همراه او بود. روزی در اثنای راه باران گرفت. عبدالله گفت: ای غلام! ببین در این نزدیکی پناهگاهی هست و خیمه‌ای می‌بینی!

غلام گفت: خیمه‌ای می‌بینم، و عبدالله را بدان سو برد. پیرزنی از خانه بیرون آمد و عبدالله را در گوشه‌ای جای داد. وی بزکی در خیمه داشت. در این اثنا شوهرش رسید و بر عبدالله سلام کرد.

شوهر به زن گفت: زود این بز را بیاور تا برای مهمان ذبح کنیم.
زن گفت: این بز سبب معاش ما است. اگر برای مهمان بکشیم، خواهیم مرد ۷. پیرمرد جواب داد: مرگ نزد من از زندگانی ناجوانمردانه بهتر است، که مهمان گرسنه در خانه من بماند. کارد را از زن گرفت و بز را ذبح کرد و بریان نمود و نزد عبدالله آورد.
بامداد روز دیگر که ابن عباس اراده رفتن نمود، به غلام گفت: آن زرهای نقد را که داری، به این پیرمرد بده!

غلام گفت: اگر بهای ده گوسفند به او بدهی، کافی است.
عبدالله جواب داد: زرها را به او بده، که هنوز از ما سخی‌تر است، زیرا ما غیر از این، اسباب و اموال دیگری داریم، ولی او به جز آن بز که برای ما کشت، چیز دیگری ندارد. (16).
امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی برادر مؤمنت‌بر تو وارد شد، غذانزد او بیاور. اگر نخورد، به او آب بده و اگر ننوشید، به او بگو [با آن آب] وضو بگیرد. (17).
کسی که برادر مؤمنش را دعوت می‌کند، باید خود را برای پذیرایی از چند نفر دیگر هم آماده کند، چون ممکن است آن شخص، فرزند، برادر و یار فقیق خود را نیز به همراه بیاورد، مخصوصا اگر مهمان فردی صاحب منصب باشد که در این صورت چند نفر دوست و آشنا هم به همراه خواهد آورد و میزبان باید خود را برای پذیرایی از همه آنها آماده کند.

حکایت: مهمانی کریمان

شیخ احمد خسرویه، روزی به عیال خود گفت: می‌خواهم فلانی را که از معارف شهر است، مهمان کنم.
زن گفت: او مردی بزرگ است. ما اسباب ضیافت او را از کجابه دست آوریم؟ چون اگر بخواهی او را دعوت کنی، باید گاو، گوسفند و الاغی را ذبح کنی! احمد پرسید: علت کشتن گاو و گوسفند را می‌دانم، اما حکمت کشتن الاغ چیست؟!

زن گفت: چون کریمان و بزرگان دست در نمک که زنند، واجب است سگان محله را نیز دندانی چرب کنند! (18).

همراه آوردن دیگران در صورتی درست است که میزبان راضی باشد و اگر میزبان راضی نباشد مهمان کس دیگری را به همراه بیاورد، این کار شرعا حرام است.

بدرقه کردن مهمان تا در منزل

خوب است میزبان مهمان را تا در منزل بدرقه کند و ضمن خداحافظی، از توفیق میزبان بودن اظهار

خوشحالی کند و آرزو کند مهمان دوباره به منزل آنها بیاید تا صمیمیت آنها زیاده‌تر شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: یکی از حقوق مهمان بر میزبان این است که همراه او برود، تا از منزل خارج گردد. (19).

یاری کردن مهمان به هنگام آمدن

استقبال از مهمان و خوشامدگویی به او یکی از رسوم پسندیده است. استقبال از مهمان و به پیشواز او رفتن و گرفتن لوازم و اسباب شخصی او و به رو شدن با خنده و خوشرویی نوعی امر به معروف است، که مهمان نیز تشویق شود با دیگران همین رفتار را داشته باشد و دیگران را به مهمانی دعوت کند. هنگامی که مهمان می‌خواهد مهمانی را ترک کند، میزبان خود را خوشحال نشان ندهد، اما زاد و راحله راه را برای مهمان فراهم آورد و از سوغاتی‌های محل برای او بخرد و او را برای دفعات بعد نیز به مهمانی دعوت کند و خود نیز به دیدن و مهمانی او برود. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی برای شما مهمانی رسید، در هنگام ورود، او را در پیاده کردن زاد و توشه‌اش کمک کنید و وقتی خواست برگردد، به او کمک نکنید، چون این کار از پستی انسان است و زاد و توشه‌اش را آماده کنید که نوعی سخاوت است. (20).

حکایت: استقبال و بدرقه عجیب

اسمعی می‌گوید: روزی در قبیله‌ای نزول کردم. در میان بادیه در هنگام وصول، زنان و دختران قبیله پیش آمده و مرحبا گفتند و بار مرا گشوده، به منزل بردند و تا وقتی که در آن قبیله بودم، مرا خدمت می‌کردند و از پذیرایی هیچ‌گونه کمبودی احساس نمی‌کردم.

بعد از سه روز تصمیم گرفتم بروم. خواستم شتر خود را بار کنم، اما چون بارم سنگین بود، به تنهایی نمی‌توانستم آن را بار کنم. هر چه منتظر و چشم‌به راه ماندم، هیچ‌کس به کمک من نیامد.

از این رفتار خیلی ناراحت و در عین حال متعجب بودم. در مانده‌صدا زدم: شما در وقت آمدن انواع دلداری را تقدیم کردید و اکنون مرا تنها گذاشته، مدد نمی‌کنید، تا شترم را بار کنم؟! علت این برخورد چیست؟ مگر از من خطایی سرزده است؟

یکی از آنها جواب داد: ما قومی هستیم که از ورود مهمان خوشحال می‌شویم و هنگام آمدن او را خدمت می‌کنیم، اما چون دوست نداریم مهمان از پیش ما برود و از رفتن او ناراحت می‌شویم، از این رو در وقت رحیل برای ما عار است او را مدد کنیم.

وقتی این جواب را شنیدم، متعجب شدم و هر طور بود بازم را به تنهایی بر شتر گذاردم و از آنها خداحافظی کردم. (21).

قدرت مهمانی دادن را داشته باشد

کسی که نمی‌تواند نان زن و بچه‌های خود را بدهد، حق ندارد مهمان‌دعوت کند و ادای افراد سخی را درآورد. از قدیم گفته‌اند: چراغی که به خانهرواست، به مسجد حرام است. غذا دادن به خانواده و پرداخت نفقه زن و فرزند واجب است، اما مهمانی دادن مستحب، و هیچ مسلمانی نباید عمل واجب را به‌خاطر انجام کار مستحبی ترک کند. انسان اول باید زن و اولاد خود را سیر کرده و در رفاه قرار دهد، آن وقت اگر توانست مهمان‌دعوت کند.

مهمانی دادن ثواب بسیاری دارد، ولی باید در حد توان انسان باشد. اگر بیشتر از یک نفر را نمی‌تواند مهمان کند، باید همان یک نفر را دعوت کند و دو نفر را دعوت نکند، و اگر توان پذیرایی از دو یا سه نفر را دارد، نباید بیشتر از آن را دعوت کند و خانواده خود را در مضیقه و تنگنا قرار دهد.

آماده کردن غذای مورد علاقه مهمان

یکی از اخلاق نیکوی میزبان این است که از مهمان بپرسد غذای مورد علاقه‌اش چیست. اگر توانست، برایش تهیه نماید و در غیر این صورت از او عذرخواهی کند. پرسش از مهمان این حسن را دارد که اگر غذایی برای او ضرر دارد و یادکتر او را از خوردن آن منع کرده است؛ تهیه نگردد و در عوض غذایی که باب‌میل مهمان است یا برای او ضرر ندارد، آماده شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که غذای مورد علاقه برادر دینی‌اش را فراهم کند، مورد آمرزش خدا است و خدا او را مسرور می‌نماید.

حفظ کردن آبروی مهمان

حفظ آبروی مؤمنان بر یکدیگر واجب است و اگر کسی به عیب برادر دینی‌اش پی برد، باید آبروی او را حفظ کند و عیب او را برای دیگران ابراز نکند.

یکی از جاهایی که معمولاً انسان به بعضی از عیوب برادر مؤمنش پی‌می‌برد و بر آنها آگاهی می‌یابد، وقتی است که او برای مهمانی به منزل برادر دینی‌اش می‌رود، چون در این اوقات مؤمنان بیشتر با یکدیگر انس می‌گیرند، از این رو بر اسرار و عیوب یکدیگر مطلع می‌شوند.

خدمت کردن به مهمان

یکی دیگر از وظایف میزبان این است که کمر به خدمت مهمان ببندد و کارهای او را انجام دهد، مثلاً قبل از غذا برای او آب آماده کند تا دستش را بشوید، رختخواب او را برای خواب آماده کند، لباس‌های او را آماده کند و کفش‌های او را جفت کرده و جلو او بگذارد.

حکایت مهمانان علی علیه السلام

روزی مردی با پسرش به‌عنوان مهمان بر حضرت علی علیه السلام وارد شدند. حضرت با اکرام و احترام بسیار آنها را در صدر مجلس نشاند و خود رو به روی آنها نشست. بعد از خوردن غذا، قنبر - غلام حضرت - حوله و تشت و ابریقی برای شستن دست آنها آورد. حضرت علی علیه السلام آنها را از دست قنبر گرفت و جلو رفت تا دست مرد را بشوید! مرد خود را عقب کشید و گفت: مگر چنین چیزی ممکن است! امام علیه السلام فرمود: برادر تو، از تو است و از تو جدا نیست. می‌خواهد عهده‌دار خدمت تو بشود. در عوض خداوند به او پاداش خواهد داد. چرامی خواهی مانع کار ثواب بشوی! باز آن مرد امتناع کرد. علی علیه السلام فرمود: من می‌خواهم به شرف خدمت برادر مؤمن نایل گردم. مانع کار من مشو.

مهمان با شرمندگی حاضر شد. پس علی علیه السلام فرمود: خواهش می‌کنم دست خود را درست و کامل بشوی، همان‌طور که اگر قنبر می‌خواست دستت را بشوید، می‌شستی. خجالت و تعارف را کنار بگذار. وقتی امام از شستن دست مهمان فارغ شد، به پسر خود «محمد بن حنیفه» فرمود: دست پسر را تو بشوی. من که پدر تو هستم، دست پدر را شستم و تودست پسر را بشوی، اگر پدر این‌جا نبود و تنها این پسر مهمان ما بود، من خودم دستش را می‌شستم، اما خداوند دوست دارد وقتی که پدر و پسری حاضرند، در احترام بین آنها فرق گذاشته شود. محمد به امر پدر برخاست و دست پسر را شست. امام حسن عسکری علیه السلام وقتی این داستان را نقل کرد، فرمود: شیعه حقیقی باید این‌طور باشد. (22).

آمادگی دایم برای پذیرایی از مهمان

کسی که فامیل و دوستان زیادی دارد، یا شخصی است که مشهور به‌بخشندگی و مهماندوستی است و هر آن احتمال دارد برای او مهمان بیاید، حتی المقدور باید آماده پذیرایی باشد، تا اگر مهمانی بدون دعوت قبلی

وسر زده وارد شد، برای پذیرایی از او در مشقت نیفتد و یا مهمان گرسنه نماند. آمادگی برای پذیرایی یکی از نشانه‌های جود و سخاوت است. فقط افراد سخاوتمند هستند که همیشه برای پذیرایی از مهمان آماده‌اند و از مهمان ناخوانده ناراحت نمی‌شوند.

حکایت: مهمانی با مغز استخوان

علی بن هشام مردی با مروت و مهماندوست بود، روزی معتصم - به قصد مزاح - گفت: امروز بعد از آن که علی بن هشام ناهار خورد، به مهمانی اوبرویم و وی را امتحان کنیم تا حد او در مروت پدید آید. آنها این کار را کردند. مامون و عبدالوهاب نیز با ایشان بودند. چاشتگاهی نزد او آمدند. علی بن هشام پیش دوید و خدمت کرد. ایشان گفتند: امروز چاشت به امید تو خواهیم بود.

علی گفت: یا امیر المؤمنین! من ناهار خورده‌ام و چیزی نمانده که لایق شما باشد.

مامون گفت: تکلف شرط نیست. هر چه حاضر است، بگو بیاورند.

رسم علی بن هشام این‌طور بود که همیشه چند نوع حلوا در آشپزخانه آماده داشت و آشپزهای او همیشه غذای آماده و داغ در دیگ داشتند. وقتی مهمان می‌رسید، فوری غذا می‌آوردند و هیچ وقت مطبخ او خالی از غذا نبود.

علی بن هشام دستور داد هر چه آماده بود، آورند. عبدالوهاب برای امتحان، از آشپزی مغز خواست. او هم فوری مغز آورد. بار دیگر درخواست مغز کرد. باز هم آورد و تا چندین مرتبه این درخواست تکرار شد و آنها می‌آوردند. چون عادت علی بن هشام را می‌دانستند که اگر بگویند نیست، ناراحت می‌شود و آنها را تادیب خواهد کرد.

آشپز هر چه شتر و گوسفند در آغل بود، سر می‌برید و مغز آنها را برای مهمان می‌آورد. تا این که فقط يك شتر ماند که علی بن هشام آن را به ده هزار دینار خریده بود. آشپز چاره‌ای ندید جز این که آن را بکشد. از این رو آن را ذبح کرد و مغز آن را برای مهمان آورد.

علی بن هشام به آشپز آفرین گفت و پرسید: این همه مغز را از کجا آوردی؟

گفت: هر چه گاو، گوسفند و شتر بود، کشتم و مغز فرستادم و در پایان هم آن شتر گران قیمت را کشتم.

علی بن هشام گفت: بسیار کار خوبی کردی و اگر جز این می‌کردی، تو را ادب می‌کردم.

مهمانان متعجب شدند و پس از آن اسم او جزو سخاوتمندان در جهان ثبت شد و به یادگار ماند. (23).

دل و زبانش یکی باشد

کسی که برادر دینی‌اش را به مهمانی دعوت می‌کند و یا به او تعارف می‌کند برای غذا خوردن به منزل او

برود، باید حتی المقدور قدرت پذیرایی داشته باشد و اگر خدای نخواستہ برای خودنمایی تعارف کند و گمان کند با تعارف کسی به مهمانی اش نمی‌رود، کاری بسیار زشت و ناپسندی انجام داده‌است، چون دعوت باید با رضایت کامل باشد، تا مورد قبول خداوند عزیز قرار گیرد. اگر کاری يك ذره با ریا باشد، آن عمل را خداوند قبول نمی‌کند. اگر دوست ندارد کسی مهمان او شود یا قدرت پذیرایی ندارد، نباید به کسی تعارف و در ظاهر دیگران را دعوت کند.

اگر نیت انسان با عمل او فرق داشته باشد، آن عمل مقبول نیست و هیچ‌گونه ثمره‌ای برای او ندارد و فردای قیامت همین عمل وبال گردنش خواهد شد و عذابی دردناک در انتظار او است.

لطیفه: تعارف بی‌جا

گویند: يك نفر روستایی کنار جوی آبی نشسته و سفره خود را گسترده و مشغول خوردن غذا بود. هنوز چند لحظه‌ای نگذشته بود که سواری از کنار او گذشت. دهاتی‌گفت: بسم الله، بفرمایید غذا میل کنید! سوار بدون تامل از اسب فرود آمد و بر سر سفره نشست و مانند کسی که چند روز غذا نخورده باشد، به تندى و ولع تمام مشغول خوردن شد.

مهمان در حین خوردن گفت: میخ طویله اسبم را کجا بکوبم؟

دهاتی که از تعارف کردن به مرد پر رو و پر خور پشیمان شده بود، گفت: روی زبان من ببند که به تو تعارف بی‌جا کردم! (24).

طعنه نزدن به مهمان

اگر مهمان، اخلاق به‌خصوصی دارد و یا در او عیبی هست که اگر کسی آن عیب را به رخش بکشد، ناراحت می‌شود، میزبان نباید کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن بکند؛ حتی اگر مهمان مؤمن نباشد، نباید از ایمان او ایراد گرفت و او را ناراحت کرد، چون مهمانی دادن به‌خاطر دینداری افراد نیست؛ هر چند اولویت در مهمانی باکسانی است که متقی و مؤمن باشند.

نگاه کردن به دهان مهمان در حین غذا خوردن، اشاره کردن به چگونه غذا خوردن و زدن حرف‌های رکیک از جمله اخلاق زشتی است که بعضی از میزبان‌ها دارند و مهمان خود را به این وسیله ناراحت می‌کنند.

حکایت: مهمانی ابراهیم علیه السلام و بت‌پرست

حضرت ابراهیم علیه السلام در مهمانداری نمونه بود و از عادات او این بود که تامهمان برایش نمی‌آمد، لب به غذا نمی‌زد.

روزی بر او گذشت و مهمانی برایش نیامد. به صحرا بیرون رفت. بعد از مقداری جستجو، مرد بیگانه و بت‌پرستی را دید که در حال گذشتن از آن محل بود.

حضرت فرمود: ای دریغا! اگر مسلمان بودی، تا یک ساعت نزد ما می‌نشستی و انگشتی بر غذای ما می‌زدی و ما را از بی مهمانی بیرون می‌آوردی!

پیرمرد از کنار او گذشت. در این هنگام جبرئیل علیه السلام بر حضرت نازل شد و گفت: یا ابراهیم! حضرت حق سلام می‌رساند و می‌فرماید: این پیر هفتاد سال مشرک و بت پرست بود، ولی مارزق و روزی او را کم نکردیم، اما یک روزناهار او را به تو حواله کردیم، به تهمت بیگانگی به او غذا ندادی؟! حضرت ابراهیم علیه السلام به دنبال او رفت و او را صدا زد و دعوت کرد.

پیر گفت: رد اول برای چه بود و دعوت آخر برای چه؟! ابراهیم علیه السلام عتاب حق تعالی را به او گفت.

پیر گفت: نافرمانی کردن چنین خداوندی از مروت دور است. پس ایمان آورد و از جمله مؤمنان گشت.

(25).

دفاع کردن از مهمان

وقتی کسی به مهمانی دیگری می‌رود، مانند این است که از حیث جان و مال به او پناه آورده و میزبان با قبول کردن او، پناهش داده است. دفاع از جان و مال پناهنده به حکم عقل لازم است.

از زمان‌های بسیار دور تا به حال رسم بوده که مردم از مهمان خود دفاع می‌کردند و حتی در زمان جاهلیت برای دفاع از مهمان خون‌های بسیار می‌ریختند و هر طور بود با جان و مال خود از مهمان دفاع می‌کردند و جان او را نجات می‌دادند.

وقتی ملائکه عذاب بر حضرت لوط علیه السلام به عنوان مهمان وارد شدند و قوم او به وسیله همسرش باخبر شدند، اطراف خانه حضرت را گرفتند و عده‌ای جلوی در ورودی تجمع کردند تا وارد منزل شوند و به مقصود شیطانی خودجامه عمل بپوشانند.

حضرت لوط علیه السلام در مقام دفاع از مهمان‌ها برآمد، اما چون عده کفار زیاد بود و قابل هدایت نبودند، خیلی ناراحت شد و فرمود: ای کاش قدرت داشتم در مقابل شما ایستادگی کنم و از مهمانان خود دفاع نمایم، اما افسوس که این قدرت و توانایی را ندارم. بنابراین به خدا پناه می‌برم تا شما را به سزای عملتان برساند!

مهمانی دادن برای فخر فروشی نباشد

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: هر کس سفره احسانی بچیند و مردم را به مهمانی دعوت کند و نظرش فخر فروشی و نشان دادن شکوهمندی خود باشد خداوند او را در روز قیامت با روی سیاه در محشر می‌آورد. (26).

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر کس به خاطر ریا و خودنمایی مهمانی بدهد، خداوند فردای قیامت از صدید جهنم به او می‌خوراند و آن غذا در رویش آتش می‌شود تا زمانی که قیامت تمام شود. (27).

و سرانجام از جمله وظایف میزبان این است که درباره مطالبی که مهمان دوست دارد، صحبت کند. -قبل از مهمان نخواست.

-در حضور آنها از کمبودها و مشکلات زندگی صحبت نکند.

-در بین سخنان او حرف نزند.

-اگر صحبت‌های مهمان باب میلش نبود، خود را ناراحت نشان ندهد.

-در حضور او به خانواده خود خشم نگیرد.

-خود را خوشحال و مسرور نشان دهد.

-هنگام رفتن او خود را غمگین و ناراحت نشان دهد.

پی‌نوشتها:

(1) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 457 ، ح 2.

(2) همان ، ص 457 ، ح 3.

(3) همان ، ح 1.

(4) همان ، ص 432 ، ح 4.

(5) میزان الحکمه ، ج 2 ، ص 1721 ، ح 11131.

(6) همان ، ح 11132.

(7) کافی ، ج 8 ، ص 266 ، ح 31؛ آیه 9 سوره حشر است.

(8) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 460 ، ح 1.

(9) همان ، ص 461 ، ح 3.

(10) هود (11) آیه 69.

(11) وسائل الشیعه ، ج 5 ، ص 433.

- 12) جوامع الحکایات ، ص 208 ، با اندکی تصرف.
- 13) همان ، ص 212 ، با کمی تصرف.
- 14-15) حلیة المتقین ، ص 60.
- 16) زینة المجالس ، ص 519 ، با کمی تصرف.
- 17) میزان الحکمه ، ج 2 ، ص 1721 ، ح 11129.
- 18) جوامع الحکایات ، ص 212 ، با کمی تصرف.
- 19) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 433 ، ح 4.
- 20) همان ، ج 24 ، ص 316.
- 21) زینة المجالس ، ص 518 ، با کمی تصرف.
- 22) بحار الانوار ، ج 9 ، ص 598.
- 23) جوامع الحکایات ص 207 ، با کمی تصرف.
- 24) حکایات برگزیده ، ص 231.
- 25) جوامع الحکایات ، ص 211 ، با کمی تصرف.
- 26) عقاب الاعمال ، ص 582.
- 27) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 455 ، ح 1.

بخش چهارم: وظایف مهمان

مهمان نیز به نوبه خود نسبت به میزبان وظایفی دارد که انجام دادن آن موجب رضایت خداوند تبارک و تعالی و مستحکمتر شدن اخوت میان مؤمنان می شود.

تقاضای دشوار از میزبان نکند

یکی از وظایف مهمان این است که اگر میزبان وضع خوبی ندارد و قدرت مالی او ضعیف است، از او

تقاضای غذایی غیر از آنچه برایش می‌آورند نکند؛ حتی اگر می‌داند میزبان غذای مورد علاقه‌اش را تهیه می‌کند. از نظر اخلاقی و عرفی این تقاضا درست نیست.

اگر میزبان از او خواست یکی از دو نوع غذا را انتخاب کند، او راحت‌ترین و ساده‌ترین آنها را انتخاب کند.

حکایت: درخواست بی‌جا

ابووائل می‌گوید: روزی من و ابوذر به زیارت سلمان رفتیم و برای ناهار نزد او ماندیم. موقع غذا که شد، سلمان مقداری نان جو و نمک برایمان آورد و به ماتعارف کرد که بخوریم. ابوذر گفت: اگر با این نان و نمک مقداری سعت - گیاهی خوشبو - می‌بود، بهتر بود و ما بیشتر لذت می‌بردیم.

سلمان از نزد ما بلند شد و بیرون رفت و بعد از چند لحظه با مقداری از همان سبزی که ابوذر خواسته بود، برگشت.

وقتی غذا تمام شد، ابوذر گفت: خدا را شکر که به ما قناعت بخشید!

سلمان گفت: ای ابوذر! اگر به روزی خود قانع بودی، آفتابه من به رهن نمی‌رفت.

معلوم شد سلمان برای این‌که به درخواست ما جامه عمل بپوشاند، آفتابه خود را نزد سبزی فروش به رهن گذاشته و مقداری سبزی برای ما تهیه کرده بود تا بعدا پول آن را بدهد. (1).

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: روزی شخصی حضرت علی علیه السلام را دعوت کرد تا برای ناهار به منزل او برود.

حضرت فرمود: به شرطی که سه خصلت را برای من ضمانت کنی، می‌آیم: اول: این‌که از بیرون چیزی نخری؛ دوم: هر چه در خانه حاضر داشتی، بیاوری؛ سوم: بر عیال خود سخت نگیری. (2).

چه خوب است تمامی مهمان‌ها این‌طور باشند؛ یعنی قبلا با میزبان و برادر دینی خود شرط کنند در پذیرایی خود را به زحمت نیندازد؛ هر چه حاضر بود، بیاورد تا دیگر لزومی به قرض گرفتن و به رهن گذاشتن لوازم‌خانه نباشد. تمام دردهای مهمانی و مخارج بیهوده و اضافی از قانع نبودن مهمان است.

روزی حرب اعراب پیش حضرت علی علیه السلام آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! دوست دارم بر من منت گذاشته و مهمانم شوی.

حضرت علی علیه السلام فرمود: به شرطی که خود را به‌خاطر من به زحمت نیندازی. با این شرط حضرت وارد منزل او شد.

حرب دست در جیب کرد و چند درهم پول در آورد و آن را به حضرت نشان داد و گفت: اگر اجازه می‌دادی، چیز بهتری خریداری می‌کردم.

حضرت فرمود: همین که در خانه تو موجود است، کافی است و لازم نیست بیشتر از این خود را به حمت ببندازی. (3).

از غذای میزبان به قدر کافی بخورد

کمرویی صفت زشت و ناپسندی است که در هر کس وجود داشته باشد، برای او ضرر دنیوی و اخروی دارد.

یکی از جاهایی که این صفت گریبانگیر افراد می‌شود، هنگام مهمانی است. فرد کمرو به خاطر این که خجالت می‌کشد، به اندازه کافی غذا نمی‌خورد و گرسنه می‌ماند و اگر مهمانی طولانی باشد، کم کم ضعیف می‌شود و قدرتی در بدن او برای عبادت خداوند باقی نمی‌ماند و نمی‌تواند آن‌طور که باید خدا را عبادت کند. از طرف دیگر به خاطر ضعیف شدن، بیماری به او هجوم می‌آورد و او را مریض می‌کند. در چنین مواردی میزبان وظیفه دارد مهمان را در حین غذا خوردن تنها بگذارد، تا هر طور که می‌خواهد، غذا بخورد. در غیر این صورت میزبان به وظیفه انسانی خود عمل نکرده است. یکی از سفارش‌های ائمه اطهار علیهم السلام به شیعیان این است که به قدر کافی از غذای میزبان بخورند، و این دستور عملی نمی‌شود جز با کنار گذاشتن کمرویی.

هشام می‌گوید: روزی با ابن ابی یعفر به خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم. آن حضرت چاشت طلبید. هشام گفت: من زیاد نمی‌توانم بخورم.

حضرت فرمود: ای هشام! مگر نمی‌دانی محبت مؤمن به برادر مؤمن خود به قدر طعامی است که از او می‌خورد؛ یعنی هر چه او را بیشتر دوست دارد، طعامش را بیشتر می‌خورد. (4).

البته مخفی نماند تمام این موارد در جایی است که غذای میزبان حرام یا شبهه‌ناک نباشد. اگر مهمان یقین دارد غذا حرام است، مثلاً از مال دزدی یا غصبی و یا شبهه‌ناک است، نباید حتی یک لقمه از آن را بخورد و اگر خورد، مثل این است که قطعه‌ای از آتش را خورده است. باید از کنار آن سفره به عنوان نهی از منکر بلند شده، دور شود و حتی اگر برایش امکان دارد، مهمانی را ترک کند.

در روایت است: هر کس یک لقمه حرام از گلوش پایین رود، خداوند عبادات او را تا چهل روز قبول نمی‌کند و دعایش را مستجاب نمی‌نماید.

غذای میزبان را کم نشمارد

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: مهمانی که غذای میزبان را تحقیر کرده و کم شمارد، هلاک شده است. (5).

ممکن است میزبان نتواند غذای مورد علاقه و در شان مهمان را تهیه کند و از همان غذایی که خود و خانواده او می‌خورند، برایش بیاورد و این غذا در نظر مهمان ناچیز باشد. از این رو مهمان نباید میزبان را تحقیر کرده و یا به او طعنه بزند.

غذا هر چه و هر چند که باشد، نعمت خدا است و باید به‌خاطر آن خدارا شکر گزاری کرده و از میزبان تشکر نماید.

مهمان نباید به کم بودن غذا نگاه کند، بلکه باید به کسی که نعمت به ظاهر کم را به او داده، یعنی خداوند بزرگ نگاه کند، و وقتی بزرگی خدا را نظر مگرد، دیگر کم یا ناچیز بودن غذا را نمی‌بیند. از کنار سفره‌ای که شراب در آن هست، بلند شود.

نوشیدن شراب حرام است و در قرآن از آن نهی شده است (رجس من عمل الشیطان). (6). بنابراین برای نهی از منکر به ما دستور داده‌اند: اگر به مهمانی دعوت شدید و در سفره غذا جام شراب دیدید، از کنار آن سفره بلند شده و مهمانی را ترك کنید. نشستن در کنار سفره‌ای که شراب در آن هست و نهی نکردن دیگران، رضایت به عمل آنها است و نوعی امر به منکر است، که گناه بزرگی است.

شخصی به نام هارون از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که روزی یکی از بزرگان و مسؤلان حکومتی مدینه به مناسبت ختنه کردن پسرش عده‌ای رابه منزلش دعوت کرد. از امام صادق علیه السلام نیز تقاضا کرد در آن جشن شرکت کند.

امام علیه السلام پذیرفت و در مجلس او حاضر شد. همه مشغول خوردن غذا بودند که يك نفر تقاضای آب کرد. برای او جامی از شراب آوردند. همین که جام رابه دست مرد دادند، امام علیه السلام غذای خود را نیمه تمام گذاشت و از سر سفره برخاست.

عده‌ای علت برخاستن حضرت را سؤال کردند، فرمود: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بر سفره‌ای بنشیند که در آن شراب نوشیده می‌شود، ملعون است.

برای میزبان ایجاد مزاحمت نکند

بعضی از افراد وقتی به مهمانی می‌روند، در تمام طول روز از خانه خارج نمی‌شوند و به همین خاطر زن و بچه میزبان نمی‌توانند به راحتی رفت و آمد کنند و کارهای شخصی خود را انجام دهند؛ بنابراین مهمان بایستی توجه داشته باشد وقتی به دیدار برادران دینی خود می‌رود، اگر مرد در خانه نبود و دنبال کار خود به بیرون از منزل رفت، او نیز بیرون برود و تا وقتی که میزبان به‌خانه برنگشته است، او نیز برنگردد، تا برای خانواده او ایجاد مزاحمت و ناراحتی نکند و آنها در آسایش باشند.

حکایت: مهمان ماندگار

مردی به مهمانی دوستش رفت و تمام روز را در خانه او بود و از هر جهت در فرحناکی را بر صاحبخانه بسته بود. وقتی شب شد و هوا رو به تاریکی نهاد، صاحبخانه بدون این که چراغی روشن کند، کنار مهمان نشست و با او مشغول صحبت و گفت‌وگو شد.

مهمان که از تاریکی ناراحت و در عذاب بود، هر چه منتظر ماند میزبان چراغی روشن نکرد، تا این که کاسه صبرش لبریز شد و گفت: خیلی معذرت می‌خواهم! چراغ کجا است تا آن را روشن کنم، چون هوا خیلی تاریک است و جای را نمی‌بینم.

صاحبخانه که از مهمان ناخوانده حسابی کلافه شده بود، از فرصت استفاده کرد و گفت: خداوند می‌فرماید: و اذا ظلم علیهم قاموا (7) یعنی: وقتی شب جامه تاریکی بر آنها پوشاند، از جا حرکت کنند و بروند. مهمان که از حاضر جوابی میزبان جا خورده بود، خجلت زده شد و از خانه بیرون رفت. (8)

به نوع غذا اهمیت ندهد

در بین مردم این طور جا افتاده که اگر کسی را به مهمانی دعوت کردند، یعنی این که برای او غذای لذیذی تهیه کرده‌اند و دعوت کردن فقط برای خوردن است. شخص دعوت شونده اولین سؤالی که در ذهنش خطور می‌کند، این است که چه غذایی درست کرده‌اند؟ کی سفره را می‌آورند؟ چه غذایی را بیشتر و چه غذایی را کمتر بخورد؟

و وقتی که از مهمانی برگشت، اولین سؤالی که از او پرسیده می‌شود، این است که، چه غذایی درست کرده بودند؟ خوردی یا نه؟ خوشمزه بود یا بد مزه؟ کم بود یا زیاد؟

هدف از پذیرفتن دعوت و مهمانی رفتن نباید بر کردن شکم و لذت جسمانی و نوع غذا باشد، بلکه هدف باید امور معنوی و نزدیکی به خدایه این وسیله باشد، مثلاً با خود فکر کند که من به خاطر عمل کردن به سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مهمانی می‌روم، برای نزدیکی به خدا و برای این که دوستی ما بیشتر شود، دعوت برادر دینی‌ام را قبول می‌کنم.

اهمیت دادن به غذا و کم و زیاد بودن آن از خصایص انسان‌های نمک‌شناس است.

به میزبان خیانت نکند

از زمان‌های قدیم تا به حال مرسوم بوده که اگر کسی نان و نمک کسی را خورد، دیگر نباید به او خیانت کند؛ حتی افراد سارق و گناهکار وقتی نمک کسی را می‌خوردند، دیگر به میزبان خیانت نمی‌کردند و

حرمت او را نگه می‌داشتند.

یکی از وظایف مهمان این است که وقتی به خانه کسی رفت و نان و نمک او را خورد، به هیچ عنوان به او خیانت نکند و باید جان، مال، ناموس و آبروی میزبان از طرف او در امان باشد. اگر يك نفر قطعه‌ای نان را به طرف حیوانی ببندد، آن حیوان تا مدت طولانی هر وقت آن شخص را ببیند، به عنوان قدردانی و امتنان با او بد رفتاری نمی‌کند؛ اما اگر انسان‌ها به میزبان خود خیانت کنند، از حیوان پست‌تر خواهند بود.

حکایت: حق نان و نمک

یکی از دزدان عرب گوید: روزی در بادیه به قبیله‌ای وارد شدم. مردی در آنجا در غایت شجاعت و نهایت سخاوت بود. چون به امید او وارد شدم، فوری شتری برای من قربانی کرد. گفتم: بدین تکلف حاجت نیست. گفت: عادت من این است که گوشت مانده به مهمان ندهم. چند روز آنجا بودم. هر روز شتری می‌کشت و از گوشت آن برای من غذا درست می‌کرد. روزی فرصتی به دست آوردم و شتران او را براندم و بردم. چون اعرابی با خبر شد، از پشت سر من آمده، راه بر من گرفت. وقتی به من رسید، تیری در کمان نهاد و گفت: سوسماری در آنجا خفته است. این تیر را بر دم سوسمار خواهم زد. تیر را رها کرد و دم او را بر زمین دوخت. پس تیر دیگری در کمان نهاد و گفت: این تیر بر مهره پشت سوسمار خواهم زد. همان‌طور که گفته بود، تیر بر پشت حیوان نشست. پس تیر دیگری در کمان نهاد و گفت: آماده باش که این تیر بر سینه تو خواهم زد. گفتم: الله، الله، من شتران را به تو باز می‌گردانم. دست از من بردار. گفت: تا شتران را به جایگاه خود بازنگردانی، دست بر نمی‌دارم. پس شتران او را براندم و به چراگاه خود بردم. سپس به من گفتم: چه چیز تو را واداشت که این‌طور جرات کنی که شتران مرا ببری و به من که میزبان تو بودم، خیانت کنی؟! گفتم: احتیاج و فقر و نیز می‌دیدم تو اسراف می‌کردی و هر روز برای من شتری قربانی می‌کردی. با خود گفتم، از مروت تو مرا آسیبی بر نیاید. گله شتران براندم تا به مقصود برسم. گفت: درست است و حق نان و نمک در میان است. بیست شتر را انتخاب کن و برای خودت ببر. من بیست شتر انتخاب کردم و بعد از تشکر از آنجا دور شدم. (9).

هر جا صاحبخانه اشاره کرد، بنشیند

حضرت امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که یکی از شما وارد منزل برادر دینی خود شد، باید هر کجا که صاحب منزل اشاره می‌کند بنشیند، زیرا صاحبخانه به وضع منزل خود و آن قسمت‌هایی که نباید آشکار گردد، آشناتر است. (10).

به نامحرم نگاه نکند

یکی از مواردی که مهمان باید با دقت آن را مراعات کند، نگاه نکردن به محارم میزبان است، زیرا اگر خدای نخواستہ کسی مهمان برادر دینی خود شد و در آنجا نتوانست جلو خود را بگیرد، خیانت بسیار بزرگی را مرتکب شده است.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: نظر و نگاه یکی از تیرهای زهر آگین شیطان است، و چه بسا یک نگاه سبب حسرت و ندامت طولانی بشود. (11).

در وقت معین و مقرر حاضر شود

مهمان نباید مهمانی رفتن را به تاخیر بیندازد تا صاحبخانه یا مهمانان دیگر در انتظار بمانند، همان‌طور که اگر موقع معینی را تعیین کرده‌اند، نباید زودتر به مهمانی برود، زیرا ممکن است میزبان آمادگی استقبال و پذیرایی نداشته باشد و به این وسیله خجلت زده شود.

وقتی که مهمانی تمام شد، فوری آنجا را ترک کند و زیاد در خانه میزبان نماند و مجالست را طولانی نکند، چون این کار علاوه بر این که موجب مزاحمت برای میزبان می‌شود، وقت مهمان نیز ضایع می‌گردد. انسان باید حداکثر استفاده را از وقت بنماید، زیرا فردای قیامت از عمر ما سؤال می‌کنند که در چه راهی آن را گذرانیدیم.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: وقتی روز قیامت می‌شود، هیچ قدمی برداشته نمی‌شود مگر این که از انسان در مورد چند چیز سؤال می‌شود، که یکی از آنها عمر است، که می‌پرسند در چه راهی عمرت را فنا کردی. (12).

بدون اجازه میزبان روزه مستحبی نگیرد

امام محمد باقر علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

وقتی يك نفر وارد شهری و داخل خانه کسی شد، مهمان او خواهد بود تا زمانی که از آنجا برود و سزاوار نیست مهمان بدون اجازه میزبان روزه مستحبی بگیرد، تا اگر برای او غذایی درست کردند، خراب نشود . (13) .

ثواب اجابت دعوت برادر دینی بیشتر از روزه مستحبی است. لذا ائمه علیهم السلام دستور داده‌اند وقتی برای مهمانی دعوت شدید، روزه نگیرید و اگر روزه بودید، بدون این که به میزبان خود بگویید روزه هستم، روزه خود را بخورید و دعوت برادر دینی خود را رد نکنید، تا هم ثواب روزه نصیب شما شود و هم ثواب مهمانی.

بعضی از علما مانند محقق حلی فرموده‌اند: فرقی بین روزه مستحبی و غیر مستحبی که واجب موسع است، نیست و اجابت دعوت برادر دینی در هر حال لازم است.

برای میزبان دعا کند

وقتی میزبان در کمال بذل و بخشش تمام امکانات شخصی خود اعم از غذا، جا، لباس و ... را در اختیار مهمان قرار می‌دهد، مهمان نیز وظیفه دارد برای میزبان و خانواده او دعا و از آنها تقدیر و تشکر کند، زیرا تشکر از بنده خدا شکرگزاری از خدا است.

روزی یکی از یاران امام جعفر صادق علیه السلام غذایی برای آن حضرت آورد. حضرت وقتی از آن غذا میل کرد، فرمود: خدای را شکر و به صاحب غذا گفت: خداوند غذایت را به افراد نیکوکار بخوراند و ملائکه مقرب به تونیکی کنند) (14) خدا به تو برکت بدهد.

اسرار میزبان را حفظ کند

همان طور که میزبان باید اسرار مهمان را حفظ کند و عیوب او را نقل نکند، مهمان نیز وظیفه دارد اسرار میزبان را حفظ کند و آبروی او را نبرد، مگر در يك مورد که اجازه داده شده آن را نقل کنیم و آن جایی است که میزبان خوب مهماندار می‌نکند.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که عده‌ای را مهمان کند و خوب مهماندار می‌نکند، در حق مهمانان خود ظلم کرده و مهمانان حق دارند در این مورد از میزبان خود غیبت کنند. (15) .

در این موارد نیز مجال عفو و گذشت هست، یعنی اگر مهمان کوتاهی میزبان خود را عفو کند و آن را در جایی نقل نکند، بهتر است، چون ممکن است کوتاهی او به خاطر مشکلی بوده که برای او به وجود آمده و یابیش از آن قدرت پذیرایی نداشته است.

پی‌نوشتها:

- 1) بحار الانوار ، ج 22 ، ص 384 ، ح 23.
- 2) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 433 ، ح 13.
- 3) همان ، ص 431 ، ح 1.
- 4) حلیة المتقین ، ص 59.
- 5) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 431 ، ح 2.
- 6) مائده (5) آیه 90.
- 7) بقره (2) آیه 20.
- 8) حکایات‌ها و لطیفه‌ها ، ص 20 ، با اندکی تصرف.
- 9) جوامع الحکایات ، ص 209 ، با اندکی تصرف.
- 10) بحار الانوار ، ج 15 ، ص 240.
- 11) عقاب الاعمال ، ص 604.
- 12) تحف العقول ، ح 45.
- 13) علل الشرایع ، ص 384.
- 14) المحاسن ، ص 439 ، ح 295.
- 15) وسائل الشیعه ، ج 8 ، ص 605 ، ح 6.

بخش پنجم: آداب مهمانی

کسی که می‌خواهد به مهمانی برادر دینی‌اش برود، قبل از هر چیز باید اموری را مراعات کند. بعضی از این امور برگرفته از بیانات شیوای ائمه اطهار علیهم السلام هستند و بعضی دیگر مراعات کردن آنها از نظر اخلاقی و عرفی بر ما لازم است که با مراعات کردن آنها، سعادت دنیوی و اخروی نصیب ما خواهد شد.

بدون اطلاع قبلی به مهمانی نرود

اگر کسی بخواهد بدون دعوت به منزل کسی برود و مهمان شود، قبل از هر چیز باید به هر وسیله که امکان دارد صاحبخانه را در جریان بگذارد و به هیچوجه سرزده وارد خانه کسی نشود، جز در موارد ضروری که اطلاع دادن ممکن نباشد.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا وتسلموا علی اهلها؛ (1) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا این‌که اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید.»

میزبان باید از قبل آمادگی پذیرایی از مهمان را داشته باشد، و اگر کسی سرزده وارد خانه برادر دینی‌اش شود، امکان دارد چیزی در خانه برای خوردن نداشته باشد و غذای زن و بچه خود را برای او بیاورد و حق آنها راضی نماید، و یا این‌که از این جهت که نتوانسته از مهمان پذیرایی کند، خجالت بکشد و خدای نخواستہ برای تامین معاش مهمان دست به کار خلاف شرع بزند.

دزدی برای مهمان

مدتی پیش در صفحه حوادث جرایم نوشته بودند: شخصی که دست به سرقت از همسایه دیوار به دیوار خود زده بود، به دام افتاد. وی در بازجویی که از او به عمل آمد، اعتراف کرد: چون نتوانسته است از مهمانی که برایش رسیده بود، خوب پذیرایی کند و حق او را ادا نماید، دست به سرقت زده تا پولی به دست آورده و غذایی برای مهمان عزیزش فراهم آورد. پلیس به صدق گفته‌های وی پی برد و او را آزاد نمود!

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که بی دعوت به خانه‌ای رفته و غذایی بخورد، قطعه‌ای از آتش را خورده است. (2).

غذایی که مهمان ناخوانده می‌خورد، حق زن و بچه صاحبخانه بوده است که او با ورود بی موقع خود آنها را از حقشان محروم کرده است. حق الناس فردای قیامت به صورت آتش شده و به خورد انسان داده خواهد شد.

چه بسا بسیاری از افراد که می‌خواهند به مسافرت بروند و یا دنبال کار و اجبی روانه گردند، اما به‌خاطر رسیدن مهمان ناخوانده، از کار و زندگی عقب می‌مانند و در بعضی مواقع ضررهای جبران‌ناپذیری بر صاحبخانه وارد می‌شود.

اما اگر مهمان از قبل اطلاع داده بود میزبان او را از مشکل خود باخبر می‌کرد و مهمان می‌توانست به جای دیگری برود و یا این‌که میزبان برنامه خود را عوض کرده و خود را برای پذیرایی از او آماده بکند.

حکایت: درد سر بزرگ

یکی از دوستانم تعریف می‌کرد: روزی تصمیم گرفتم برای تفریح و هواخوری و صلّه ارحام دست زن و بچه را بگیرم و سفری به اصفهان داشته‌باشم، تا هم سری به فامیل بزنم و هم خستگی کار از تنم برود. روز پنج‌شنبه تمام لوازم سفر را آماده کردیم و در صندوق عقب ماشین‌جا دادیم تا برای سفر به منزل برادرم که در اصفهان بود برویم، اما برای این که سرزده وارد شده باشیم، تلفنی به او نزدیم و سر ساعت با هزار ذوق و شوق حرکت کردیم.

اوایل شب وارد اصفهان شدیم و مستقیم به منزل برادرم رفتیم. وقتی به آن‌جا رسیدیم، یکی از بچه‌ها با خوشحالی به سمت زنگ پرید و انگشت روی آن گذاشت. ماهمگی منتظر باز شدن در بودیم، اما هرچه منتظر ماندیم، خبری نشد. دوباره و سه باره زنگ زدیم، اما انگار هیچ‌کس در خانه نبود. زنگ در خانه همسایه را به صدا در آوردیم و از آنها احوال برادرم را پرسیدیم. گفتند: خانه برادرش در قم است. امروز ظهر رفته‌اند، آن‌جا سر بزنند.

وقتی به قضیه پی بردیم، فهمیدیم آنها هم مثل ما فکر کرده‌اند و خواسته‌اند بی خبر مهمان ما شوند! از آن روز به بعد تصمیم گرفتیم هر جا خواستیم برای مهمانی برویم، قبلاً آنها را به وسیله تلفن یا نامه خبردار کنیم تا دچار گرفتاری نگردیم.

فرزند خود را همراه نبرد

اگر کسی برای مهمانی دعوت شد، در صورتی که بداند میزبان فقط شخص او را دعوت کرده، حق ندارد کس دیگری را همراه ببرد حتی فرزند خود را هم نمی‌تواند همراه ببرد، در غیر این صورت گناه بزرگی را مرتکب شده است.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی برای خوردن غذا دعوت شدید، فرزند خود را همراه نبرید، زیرا این کار معصیت بوده و غذا خوردن آن بچه حرام است. (3).

بچه تکلیفی نسبت به خوردن غذای حلال و حرام ندارد، اما خوردن غذای حرام علاوه بر این که اثر وضعی بر روح و روان کودک می‌گذارد، پدر آن بچه هم که او را همراه برده است، معصیت‌کار محسوب می‌شود. فردای قیامت باید جوابگوی عمل خلاف شرع خود باشد.

ولی اگر می‌داند میزبان راضی است که کس دیگری را همراه خود ببرد، در این صورت همراه بردن بچه و دیگران اشکالی ندارد. معمولاً دعوت‌هایی که از طرف برادران دینی می‌شود، این نکات نیز مراعات می‌گردد.

در مهمانی بدون اجازه غذا نخورد

اگر میزبان غریبه باشد (از برادران دینی نباشد) تا وقتی که اجازه نداده است نباید کسی چیزی بخورد، چون درست است که به‌طور رسمی به مهمانی دعوت شده است و بدون دعوت نیامده، اما خوردن غذا باید با اجازه باشد.

اما اگر میزبان برادر دینی انسان باشد، در این صورت چون خداوند کریم اجازه داده که مؤمنان از اموال یکدیگر بخورند، می‌تواند بدون اجازه غذا و چیزهای دیگر بخورد.

خداوند تبارک و تعالی در این مورد می‌فرماید: «ولا علی انفسکم ان تاكلوا من بیوتکم او بیوت آبائکم او بیوت امهاتکم او بیوت اخوانکم او بیوت اخواتکم او بیوت اعمامکم او بیوت عماتکم او بیوت اخوالکم او بیوت خالاتکم او ما ملکتم مفاتحه او صدیقکم لیس علیکم جناح ان تاكلوا جمیعا او اشتاتا؛ (4) و باکی بر شما نیست که از خانه‌های خود و پدران خود و مادرانتان و برادران و خواهران و عمو و عمه و دایی و خاله خویش غذا تناول کنید یا آن‌که از هر جا که کلید آن در دست شما است یا خانه رفیق خود باکی نیست که از مجموع یا هر یک از این خانه‌ها طعام خرید.»

محمد حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه که خداوند می‌فرماید: لیس علیکم جناح ان تاكلوا من بیوتکم او بیوت آبائکم ... پرسیدم: معنی قول خداوند که فرموده «او صدیقکم» چیست؟ حضرت فرمود: به خدا قسم! این مربوط به وقتی است که انسان به خانه برادر دینی‌اش می‌رود و بدون اجازه از غذاهای خانه او می‌خورد و استفاده می‌کند. (5).

فضل بن یونس می‌گوید: روزی در منزل نشسته بودم که خادم داخل شد و گفت: شخصی دم در منزل است که نامش موسی بن جعفر است و شما را می‌خواهد.

گفتم: ای غلام! اگر این شخص همان کسی باشد که من گمان کرده‌ام، تو را در راه خدا و به شکرانه این مژده آزاد می‌کنم.

من جلو در رفتم و دیدم امام موسی کاظم علیه السلام است. تعارف کردم و آن حضرت داخل شد. خواستم حضرت را بالای اتاق بنشانم، حضرت فرمود: ای فضل! صاحبخانه باید بالا بنشیند مگر آن‌که مهمان از سادات باشد. عرض کردم: شما هم که از سادات هستید. پس بفرمایید بالا بنشینید. آن‌گاه گفتم: فدایت شوم! غذایی برای دوستانمان مهیا ساخته‌ام. اگر اجازه بفرمایید آن را حاضر کنم تا شما هم میل کنید.

حضرت فرمود: ای فضل! مردم از خوردن این‌گونه غذاها - بدون دعوت به منزلی رفتن و غذا خوردن - کراهت دارند، ولی من اشکالی در آن نمی‌بینم.

به غلام گفتم: مقدمات غذا را فراهم کن و آب و تشت برای شستن دست‌ها بیاور. او ظرف آب را ابتدا نزد حضرت آورد، ولی آقا فرمود: هر چیزی حدی دارد.

عرض کردم: حد این کار چیست؟

فرمود: این است که ابتدا صاحبخانه دست‌هایش را بشوید تا مهمانان نشاط پیدا کنند و با بسم الله شروع کرده و به حمد خدا ختم کند. (6).

به‌خاطر دوری راه از پذیرش دعوت سرباز نزنند

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اگر مرا برای خوردن غذا به محلی که مسافتی طولانی با مدینه دارد، دعوت کنند، قبول می‌کنم. (7).

به‌خاطر روزه مستحبی دعوت برادر مؤمنش را رد نکند

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: روزه‌داری که بر برادر دینی‌اش وارد شود در نزد او غذا بخورد و از روزه خود به او چیزی نگویید و بر او منت‌نگذارید، خداوند ثواب روزه يك سال را برای او ثبت می‌فرماید. (8).

روزه‌ای که در این روایت شریفه اجازه خوردن آن داده شده، روزه مستحبی است، چون روزه واجب را نمی‌توان باطل کرد، مگر این‌که واجب موسع باشد.

جایی که غذایش حرام یا شبهه ناک است، نرود

خوردن غذای حرام، علاوه بر این‌که عذاب اخروی دارد، در دنیا نیز اثر وضعی بر جای می‌گذارد و انسان را از خدا دور می‌کند.

هدف از مهمانی دادن و به مهمانی رفتن، نزدیکی به خدا و جلب رضایت او است، اما اگر این مهمانی - به لنت حرام بودن غذای میزبان - موجب دوری انسان از خدا و استحقاق غضب او شود، فایده ندارد و کسی نباید به‌خاطر انجام يك عمل مستحبی، مرتکب عملی حرام گردد.

بدون دلیل، دعوت برادرش را رد نکند

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: عاجزترین مردم کسی است که برادر دینی‌اش او را دعوت به مهمانی کند و او بدون دلیل و از روی هوای نفس دعوت او را قبول نکند. (9).

فرقی بین مهمانی رفتن به خانه فقرا و اغنیا نگذارد

مهمانی رفتن ثواب دارد، اما برتری بین فقرا و اغنیا نیست؛ یعنی این‌طور نیست که مهمانی در خانه اغنیا ثوابش بیشتر و در خانه فقرا کمتر باشد و یامهمانی در خانه فقرا ثوابش بیشتر باشد. روزی امام حسن مجتبی علیه السلام به عده‌ای از فقرا برخورد کرد، در حالی که پاره نانی در پیش داشتند و می‌خوردند.

وقتی چشمشان به امام حسن علیه السلام افتاد، گفتند: یابن رسول‌الله! بفرما با ما غذا میل کن! حضرت از اسب فرود آمد و در خوردن با آنها همراهی کرد و فرمود: خدای متعال متکبران را دوست ندارد، و بعد از غذا فرمود: فردا شما نیز دعوت مرا اجابت کنید و به مهمانی من بیایید. روز بعد حضرت برای آنها غذایی نیکو آماده کرد و همراه آنها در منزل خود غذا میل فرمود. (10). دعوت شخص منت‌گذار را نپذیرد

اگر مهمان می‌داند میزبان بر وی منت خواهد نهاد، از اجابت دعوت خودداری کند، زیرا با پذیرش دعوت او، در آینده پشیمانی به بار خواهد آمد. و نیز اگر کسی به خاطر مهمانی دادن از انسان انتظاراتی داشته باشد و به تعبیری به او رشوه بدهد تا برای او کاری غیر قانونی انجام دهد، نباید دعوت او را قبول کند. در مجلس مهمانی از برادر دینی اش غیبت نکند

یکی از جاهایی که معمولاً در غیبت‌باز می‌شود و غیبت نقل مجلس می‌گردد، هنگام مهمانی است. در این‌جا است که مؤمن باید جلو خود را بگیرد تا از دیگران غیبت نکند و اگر در آن مجلس از کسی غیبت شد، جلوگیری و نهی از منکر کند. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: هر کس نزد او از برادر مؤمنش غیبتی بشود وی از او دفاع بنماید و یاریش کند، خداوند او را در دنیا و آخرت نصرت نماید و هر کس نزد او غیبت برادر مؤمنش بشود و او را نصرت و یاری نکند و از او دفاع ننماید با این‌که قدرت آن را داشته باشد که از او پشتیبانی کند و با این حال ترك کند، خداوند او را در دنیا و آخرت ناچیز و حقیر می‌گرداند. (11). اگر می‌تواند از غیبت دیگران جلوگیری کند، باید آن کار را انجام دهد و گرنه باید مجلس را به عنوان اعتراض ترك کند تا غیبت را نشنود.

به اهل خانه سلام کند

سلام کردن يك سنت الهی است که خداوند عزیز در قرآن کریم بر آن تاکید کرده و خود نیز بارها به پیامبران و شهدا سلام کرده و به ما نیز دستور داده است: وقتی به خانه کسی وارد می‌شوید، به اهل خانه سلام کنید: «فإذا دخلتم بيوتا فسلموا على أنفسكم تحية من عند الله...» (12) و هر گاه بخواهید به خانه‌ای داخل شوید خست‌برخود سلام کنید که این تحیت و سلام برکتی نیکو از جانب خدا است.»
رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که داخل خانه شود، سلام کند که سبب برکت می‌شود و ملائکه در آن خانه انس می‌گیرند. (13).

پی‌نوشتها:

- 1) نور (24) آیه 27.
- 2) کیمیای سعادت ، ص 230.
- 3) وسائل الشیعه ، ج 19 ، ص 11 ، ح 1.
- 4) نور (24) آیه 61.
- 5) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 434 ، ح 1.
- 6) بحار الانوار ، ج 17 ، ص 200.
- 7) قرب الاسناد ، ص 163.
- 8) بحار الانوار ، ج 17 ، ص 206.
- 9) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 428 ، ح 9.
- 10) کیمیای سعادت ، ص 237 ، با کمی تصرف.
- 11) عقاب الاعمال ، ص 570.
- 12) نور (24) آیه 61.
- 13) حلیة المتقین ، ص 223.

بخش ششم: مدت مهمانی

هر کاری حد و اندازه‌ای دارد که اگر از حد خود بگذرد، دیگر زشت و ناپسند خواهد شد؛ مثلاً غذا خوردن در هنگام گرسنگی کاری است خوب و پسندیده، اما اگر تبدیل به پرخوری شود، ناپسند خواهد بود. در عبادات نیز این‌طور است؛ اگر عبادت از حد خود گذشت، اسلام از آن نهی کرده است؛ یعنی طوری شد که تمام کار و زندگی انسان عبادت کردن باشد، چون این کار موجب ضرب‌هزدن به خانواده می‌شود. مهمانی رفتن نیز مانند سایر اعمال واجب و مستحب، کاری بسیار خوب و خدایسند است و مورد سفارش ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد که انسان باید برادر دینی‌اش را به مهمانی دعوت کند و خود نیز به مهمانی برود.

اما حد و اندازه مهمانی چقدر است و انسان تا چند روز مجاز است در خانه برادر دینی‌اش بماند؟ آیا تا هر وقت که دلش خواست می‌تواند در آنجا بماند و هر وقت خواست، برگردد؟ آیا اسلام حد و اندازه‌ای برای مهمانی رفتن تعیین کرده است؟

مهمانی سه روز است

دین مقدس اسلام برای مهمانی نیز مانند سایر کارها، مدت معینی را تعیین کرده و گفته است مؤمنان تا این مدت می‌توانند بدون ایجاد مزاحمت و با آرامش در خانه برادر دینی‌شان بمانند، و بعد از این مدت باید برای خودفکری کنند و به عنوان مهمان نمی‌توانند در آنجا بمانند و گرنه سربار دیگران خواهند بود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اندازه و مدت مهمانی سه روز است. پس هر چه بیشتر از سه روز بماند، صدقه برای صاحبخانه محسوب می‌شود. (1).

از این روایت استفاده می‌شود نهایت مهمانی سه روز است و بیشتر از سه روز مانند صدقه‌ای است که صاحبخانه به مهمان می‌دهد، که اگر مستحق نباشد، نباید از صدقه استفاده کند، زیرا صدقه مال فقرا و مستمندان است.

لطیفه: مهمان چهل روزه

روزی ظریفی به مهمانی دوستش رفت و سه شبانه روز در خانه او ماند. صاحبخانه از دست مهمان به تنگ آمد و به زن خود گفت: من دیگر خسته شده‌ام. این مرد تا کی می‌خواهد این‌جا بماند؟! زن جواب داد: من هم مثل تو خسته شده‌ام، اما ناراحت نباش! الان معلوم می‌کنم تا چه مدت این‌جا می‌ماند. زن نزد مهمان آمد و گفت: ای مهمان عزیز! تو را به آن خدایی که تو را سه شبانه روز مهمان ما گردانید و فردا روزی تو را در جای دیگر خواهد داد، قسم می‌دهم چون شوهرم بر من جفا می‌کند، او را نصیحت

کنی تا سر عقل بیاید و مرا اذیت و آزار نرساند!
در این اثنا شوهر نیز وارد شد و در کنار زن جای گرفت.
مهمان روی به شوهر زن کرد و گفت: ای رفیق عزیز! تو را به آن خدایی که در این چهل روز مرا مهمان
شما ساخته و روزی مرا بر خوان احسان شمانوشته، قسم می‌دهم از این به بعد بر زن جفا نکنی. (2.)
زیاد در خانه میزبان نماند

متاسفانه بعضی از مؤمنان وقتی به مهمانی دوست و یا فامیل خود می‌روند، آن قدر آنجا می‌مانند که
صاحبخانه مجبور می‌شود تمام حقوق يك ماهه خود را برای آنها خرج کند و در عین حال از مغازه قرض
گیرد و چیزی از حقوق او باقی نمی‌ماند که کمبودهای خانواده‌اش را تامین کند، در حالی که تمام خانواده
اعم از زن و بچه‌ها از آن حقوق ماهیانه حقی دارند و مرد باید ادای حقوق آنها را بکند، و با وجود مهمان
چیزی باقی نمی‌ماند.
دین اسلام از این عمل بسیار زشت‌شدیدا نهی کرده و دستور داده است آن قدر در خانه دوست خود نمانید که
به رنج و زحمت بیفتد.
رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: مهمانی سه روز است، و بعد از سه روز صدقه‌ای است
که برای صاحبخانه نوشته می‌شود. کسی حق ندارد به‌عنوان مهمان بر برادر دینی خود وارد شود تا آن که
او را با خودش به گناه اندازد.
یکی از اصحاب پرسید: ای رسول خدا! چگونه به گناهش اندازد؟
حضرت فرمود: تا آن که چیزی برایش نماند که با آن زندگی کند. (3.)

لطیفه: مهمان پر رو

مردی به منزل یکی از اقوامش رفت و آن قدر در آنجا ماند که صاحبخانه به ستوه آمد و خسته شد.
روزی صاحبخانه به او گفت: چون اقامت شما در اینجا طول کشیده، ممکن است عیال و بچه‌های شما
نگران شوند و فکر کنند برای شما اتفاقی افتاده است. بهتر است سری به آنها بزنید.
مهمان پر رو گفت: بله، اتفاقا امروز خود من هم به همین فکر افتادم که ممکن است خانواده نگران شوند، و
به همین جهت به آنها نامه نوشتم تا همگی به اینجا بیایند! (4.)

میزبان را فراری ندهد

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مهمانی سه روز و کمتر از سه روز است، و هیچ مسلمانی حق ندارد آن قدر مهمان برادرش شود که او را فراری دهد.»!

یکی از اصحاب پرسید: چگونه او را فراری می دهد؟! فرمود: «وقتی دیگر هیچ چیزی برای خوردن نداشته باشد، از خانه فراری می شود.» (5). (این همه سفارشی که در اسلام برای پذیرایی از مهمان شده که انسان باید به او خدمت کند، نگذارد به مهمان سخت بگذرد، مخصوص این سه روز است؛ یعنی در این سه روز مهمان است و باید با او مانند مهمان رفتار شود، اما وقتی از سه روز گذشت، باید با او مانند یکی از اهل خانواده رفتار شود و هر چه برای زن و بچه فراهم می شود و در خانه موجود است، برای مهمان نیز بیاورند و وی نیز نباید انتظار پذیرایی بیشتر از آن را داشته باشد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: مهمان دو شب می تواند در خانه میزبان بماند و وقتی شب سوم شد (سه روز گذشت) او نیز یکی از اهل خانه محسوب می شود و هر چه گیرش آمد، باید بخورد و انتظار پذیرایی بیشتر را نباید داشته باشد. (6).

بیشتر از سه روز را کار کند

اگر مهمانی از سه روز گذشت و به هر دلیل مهمان نتوانست برود، وظیفه دیگری بر عهده اش می آید و آن این که، او باید در عوض مدتی که در منزل صاحبخانه می ماند، برای آنها کار کند و یا در کارهای خانه کمک کند. و اگر برایش ممکن نبود، باید دنبال کار بگردد و به این وسیله پولی به دست آورده و برای خود و اهل آن خانواده غذا تهیه کند.

متأسفانه بعضی از افراد به عادت بدی مبتلا شده اند و آن این که وقتی به مهمانی کسی می روند، بدون توجه به درآمد آن خانواده، یک هفته، دو هفته و حتی یک ماه می مانند، غذای آماده میل می کنند و به تعبیری خوش می گذرانند، بدون این که کوچکترین کمکی به آن خانواده کنند.

حکایت: کار کردن به جای خوردن صدقه

از جمله کسانی که در زمان حکومت هارون الرشید فراری شد و خود را پنهان کرد، قاسم بن موسی بن جعفر علیهم السلام است که از ترس جان خویش به طرف شرق متواری گشت.

روزی در کنار فرات راه می رفت. چشمش به دو دختر کوچک افتاد که بایکدیگر بازی می کردند. یکی از آنها برای اثبات ادعای خود گفت: نه، این طور نیست به حق امیر، صاحب بیعت در روز غدیر!

قاسم جلو رفت و پرسید: منظورت از امیر کیست؟

دختر گفت: مرادم ابوالحسن پدر امام حسن و امام حسین علیهم السلام است.

قاسم خشنود شد که به محل دوستان اجداد خود رسیده است. از این رو گفت: دختر خانم! آیا مرا نزد رئیس قبیله راهنمایی می‌کنی؟

دختر جواب داد: آری، اتفاقاً پدر خودم رئیس قبیله است. دختر از جلورفت و قاسم هم از پشت سر حرکت کرد. قاسم خود را به پدر دختر معرفی کرد.

قاسم سه روز با کمال احترام و پذیرایی شایسته به‌عنوان مهمان در آن جا ماند. روز چهارم پیش رئیس قبیله رفت و گفت: شنیده‌ام از کسی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مهمان بودن سه روز است، و بعد از آن هر چه بخورد، از باب صدقه و انفاق خواهد بود. به این جهت دوست ندارم از صدقه استفاده کنم.

تقاضا دارم مرا به کاری و اداری که مشغول آن شوم تا آنچه می‌خورم، صدقه نباشد. شیخ گفت: بعداً کاری که در شان تو باشد برایت تهیه می‌کنم. ولی قاسم درخواست کرد آب دادن به مجلس خود را به او واگذارد.

شیخ پذیرفت و آن کار را به او محول کرد.

مدتی قاسم در آن جا به همین کار اشتغال داشت، تا این که نیمه شبی پیرمرد از اتاق بیرون رفت. قاسم را دید که در دل شب به پیشگاه پروردگار دست نیاز دراز کرده و با توجه مخصوصی غرق مناجات است و هیچ چیز او را به خود مشغول نمی‌کند.

از دیدن حال قاسم محبتی از او در دلش جای گرفت.

صبح که شد، بستگان خود را جمع کرد و گفت: می‌خواهم دخترم را به این مرد صالح و پرهیزگار تزویج کنم.

همه قبول کردند و شیخ دختر خود را به ازدواج او درآورد. خداوند به قاسم دختری عنایت کرد. آن بچه دوران کودکی را تا سه سالگی گذراند. در این موقع قاسم مریض شد و بیماریش شدید گردید.

روزی شیخ بالای سر قاسم نشسته بود. از خانواده و فامیل او سؤال کرد و قاسم جواب‌هایی داد که شیخ را وادار به کنجکاوی بیشتر کرد و متوجه قسمتی از جواب‌های قاسم شد.

پیرمرد پرسید: فرزندم! شاید تو هاشمی باشی؟

قاسم گفت: بله، من قاسم بن موسی بن جعفر علیهم السلام هستم.

پیرمرد بر سر و صورت خود زد و گفت: چقدر پیش پدرت موسی بن جعفر علیهما السلام شرم‌نده شدم از این که تو را به کار گرفتیم.

قاسم پوزش خواست و جواب داد: تو مرا گرامی داشتی و از من پذیرایی کردی. ان شاء الله با ما در بهشت خواهی بود.

قاسم بعد از این که وصیت های خود را کرد و از همه حلالیت طلبید، دختر خود را به پیرمرد سپرد و رحلت کرد.

شیخ نیز دختر قاسم را به مادر بزرگش رساند و او را تحویل داد. (7).

پی نوشتها:

1) مستدرک الوسائل ، ج 16 ، ب 32 ، ص 255.

2) حکایت ها و لطیفه ها ، ص 50 ، با اندکی تصرف.

3) فروع کافی ، ج 6 ، ص 283 ، ج 2.

4) گنجینه لطایف ، ص 425 ، با اندکی تصرف.

5) مستدرک الوسائل ، ج 16 ، ب 32 ، ص 255.

6) وسائل الشیعه ، ج 16 ، ب 36 ، ص 456.

7) شجره طوبی ، ص 210 ، با اندکی تصرف.

بخش هفتم: چه کسی را به مهمانی دعوت کنیم؟ چه موقع مهمانی بدهیم؟

ثوابی که از مهمانداری نصیب انسان می شود، مراتب آن مختلف است. هر مرتبه ای ثواب مخصوص به خود را دارا است و این طور نیست که ماهر کس را که دلمان خواست و به مهمانی دعوت کردیم، ثواب کامل مهمانداری را برده باشیم.

دعوت کردن افراد نیز فرق می کند یعنی باید افراد را با اولویت به مهمانی دعوت کرد که مراتب آن در روایات ائمه اطهار علیهم السلام ذکر گردیده است.

ابتدا خویشان و نزدیکان را دعوت کند

صله رحم یکی از دستوره‌های دین اسلام است. هر مؤمنی وظیفه دارد با فامیل خود رفت و آمد کند و با آنها قطع رابطه ننماید، زیرا قطع صله رحم جزو محرمات است که خداوند تبارک و تعالی به قطع‌کننده صله رحم و عده عذاب داده است.

یکی از مواردی که نزدیکان اولویت دارند، دعوت به مهمانی است. انسان باید اول فامیل‌های خود را - چه سببی و چه نسبی - دعوت کند، بعد نوبت به افراد دیگر می‌رسد. این کار موجب رضایت خداوند عزیز می‌گردد و نیز آدمی به وظیفه انسانی خود که دعوت به مهمانی است، عمل کرده است. البته در بین فامیل اولویت با کسانی است که متدین‌تر باشند، اگر کسی فامیلی دارد که متدین نیست، حق ندارد اول او را دعوت کند، بلکه باید ابتدا مؤمنان و برادران دینی خود را دعوت کند و بعد نوبت به آن شخص می‌رسد.

دعوت کردن شیعیان

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر من یکی از شیعیان خود را به مهمانی دعوت کنم، بهتر است در نزد من که افقی از مردم را اطعام کنم.

راوی می‌گوید: از حضرت پرسیدم: افق چقدر است؟

فرمود: یکصد هزار نفر از مردم. (1).

در این زمان که تمامی قدرت‌های شیطانی علیه شیعیان قیام کرده‌اند و به هر وسیله قصد ضربه زدن به اسلام ناب محمدی را دارند، بر ما شیعیان لازم است هر چه بیشتر به هم نزدیک شویم، با هم رفت و آمد داشته باشیم، تا اتحاد میان ما زیادتر شود و در نتیجه نقشه دشمنان از بین برود. از جمله کارهایی که می‌شود برای جلوگیری از این‌گونه تهاجمات به کار گرفت، مهمانی است. ما با دعوت کردن یکدیگر و به مهمانی رفتن می‌توانیم بیشتر با هم انس بگیریم و با بررسی توطئه‌ها و راه مبارزه با آنها، جلو آنها را بگیریم و موجب سرفرازی بیشتر اسلام گردیم.

افراد متقی و متدین

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: با کسی جز مؤمن مصاحبت نکن و کسی را جز افراد متقی به غذایت دعوت نما. (2).

برادران دینی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که او را به خاطر خدا دوست داری، به مهمانی دعوت کن. (3.)

مراد از برادران دینی تمام مسلمانان است؛ اعم از شیعه و سنی، اگر چه دعوت شیعیان اولویت دارد. از جمله وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر این است: غذایت را به کسی بخوران که او را به خاطر خدا دوست داری، و غذای کسی را بخور که تو را برای خدا دوست دارد. (4.)

بین فقیر و غنی فرق نگذارد

کسی که مهمانی می‌دهد و مردم را دعوت می‌کند، اگر کارش فقط به خاطر خدا و جلب رضایت او باشد، نباید بین فقیر و غنی فرق بگذارد، چون در نزد خدا هیچ فرقی بین فقیر و غنی وجود ندارد. همه در نزد او برابرند و ترجیح با کسانی است که با تقواترند.

اگر دعوت کردن منحصر به این شد که یا اغنیاء را دعوت کند و یا فقرا را، باید فقرا را ترجیح دهد و آنها را دعوت نماید.

ضیافتی که در آن توانگران باشند شکنجه‌ای است فقیران بی‌بضاعت را
«صائب تبریزی.»

دعوت افراد گناهکار و فاسق را نپذیرد

پذیرفتن دعوت افراد فاسق یعنی رضایت دادن به اعمال ناشایست آنها و شریک جرم آنها بودن، لذا در دستورهای دینی ما آمده است دعوت فاسق را نپذیریم و خود را از آنها دور بداریم. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: غذای افراد فاسق و گناهکار را نخور (5) [به مهمانی آنها نرو].

و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: خداوند مرا از زاد و توشه مشرکان و منافقان و همچنین از خوردن غذای آنها نهی کرده است. (6.)

این در صورتی است که شرکت مؤمن در مهمانی فاسق موجب جرات پیدا کردن فاسق بر گناه باشد، اما اگر شرکت در مهمانی او موجب شود دیگران دست از گناه بکشند و با وجود شخص مؤمن کسی جرات گناه پیدا نکند، در این صورت بر افراد مؤمن لازم است در مهمانی شرکت کنند و به این وسیله آنها را نهی

از منکر کنند، همان طور که پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام در مجالس فساق شرکت می کردند و در حین مهمانی مردم را امر به معروف و نهی از منکر می نمودند.

در مهمانی های لهو و لعب شرکت نکند

بعضی از مهمانی ها فقط برای خوشگذرانی و لهو و لعب، رقص و پایکوبی است و هیچ گونه قصد قربتی در کار نیست. در این طور مهمانی ها - هر چند ممکن است به عنوان قربت آن را ترتیب داده باشند - اما چون در آن مجلس مخالفت اوامر الهی می شود و گناه انجام می گیرد، مؤمنان حق ندارند شرکت کنند. گوش دادن به موسیقی مطرب هر چند که در حین عروسی و مراسم شادی باشد، حرام است. خوردن غذای حرام و شبهه ناک حرام است، غذا خوردن در مکان و ظرف غصبی حرام است و مؤمنان باید خود را از این طور مجالس دور نگه دارند. امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: سزاوار نیست مؤمن در مجلسی شرکت کند که گناه در آن می شود و او قدرت تغییر آن مجلس و جلوگیری از آن را ندارد. (7).

موقع مهمانی

مهمانی و غذا دادن به دیگران در هر حال کار خوب و خداپسندی است و اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد، اما مهمانی های عمومی که مخارج نسبتاً سنگینی دارد، مخصوص زمان های خاصی است که ائمه اطهار علیهم السلام آنها را برای ما بیان کرده اند.

مهمانی در عروسی

یکی از جاهایی که سفارش شده است دیگران را به مهمانی دعوت کنیم، هنگام عروسی و ازدواج است. ائمه اطهار علیهم السلام خود به این سنت الهی عمل می کردند و در مهمانی هایی که هنگام عروسی برگزار می شد، شرکت می کردند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: بدان که مؤمنان را طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح (ازدواج) سنت است. (8).

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: طعام دادن در وقت تزویج از سنت پیغمبران است. (9). به غذایی که در عروسی داده می شود، «ولیمه» می گویند. ولیمه یکی از سنت های حسنه پیامبران است، که سزاوار است مؤمنان مخصوصاً فقرا را برای خوردن غذا دعوت کنند. بر مؤمنان نیز لازم و مستحب

مؤكد است دعوت را بپذیرند، هر چند روزه مستحبی گرفته باشند.
ولیمه حد و اندازه‌ای ندارد، بلکه همین که اسم ولیمه بر آن صدق کند، از حیث کمیت و کیفیت کافی است.

مهمانی دادن هنگام بازگشت از حج و سفر

یکی از مواردی که مهمانی دادن مستحب است، هنگام بازگشت از سفر پیر فیض و برکت حج و خانه خدا است. بر مؤمنان لازم است به شکرانه این نعمت بزرگ که نصیب آنها شده است، در راه خدا صدقه بدهند و فقرا و مؤمنان را به مهمانی دعوت کنند و آنها را طعام دهند.
پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ولیمه دادن در پنج چیز است: عروسی، تولد فرزند، ختنه کردن اولاد، خرید خانه و بازگشت از سفر حج. (10).

اطعام برای ساختن خانه

از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است: یکی از سعادت‌های مرد در دنیا این است که خانه وسیعی داشته باشد. وقتی این نعمت بزرگ نصیب کسی شد، مستحب است ولیمه بدهد و مؤمنان را به طعام دعوت کند.
امام جعفر صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که خانه‌ای را برای خود بسازد و گوسفند چاقی را قربانی کند و از گوشت آن به بینوایان اطعام دهد و بگوید: «اللهم ادحر عني مردة الجن و الانس و الشیاطین و بارک لی فی بنائی»؛ (11)
پروردگار! دیوان متمرّد و آدمیان نافرمان و شیاطین را از من دور ساز و این خانه را بر من مبارک گردان.» آنچه خواسته است بدو عنایت می‌شود.

اطعام هنگام تولد فرزند و ختنه اولاد

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ولیمه در چهار چیز است: عروسی و هنگام تولد فرزند که برای او عقیقه می‌کنند و به مردم طعام می‌دهند و هنگام ختنه کردن فرزند و هنگام بازگشت از سفر.
(12).

پی‌نوشتها:

(1) بحار الانوار، ج 3، ص 84.

(2) همان، ج 3، ص 84.

- (3) كنز العمال ، ح 25881.
- (4) بحار الانوار ، ج 3 ، ص 85.
- (5) مكارم الاخلاق ، ص 466.
- (6) المحاسن ، ص 411.
- (7) جامع السعادات ، ج 2 ، ص 155.
- (8-9) حلية المتقين ، ص 69.
- (10) منهاج الاحكام ، ج 1 ، ص 13.
- (11) ثواب الاعمال ، ص 412.
- (12) بحار الانوار ، ج 76 ، ص 287 ، ح 3.

منابع و مأخذ

1. قرآن كريم.
2. آثار و اشعار شيخ بهائي، شيخ بهائي، جلد دوم، انتشارات ارم، قم، 1374.
3. اصول كافي، شيخ كليني، انتشارات مسجد چهارده معصوم، تهران، بي تا.
4. بحار الانوار، ملا محمد باقر مجلسي، جلد دوم، انتشارات مطبعة الاسلاميه، تهران، 1405 ق.
5. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شيخ صدوق، ابن بابويه، تهران، 1402 ق.
6. جامع السعادات، محمد مهدي نراقي.
7. جوامع الحكايات، سديدالدين محمد عوفي، جلد پنجم، انتشارات علمي و فرهنگي، تهران.
8. جامع الاخبار، تاج الدين محمد بن محمد الشعيري، چاپ اول، آل البيت، قم، 1414 ق.
9. چهل حديث قدسي، گردآورنده حاج سيد احمد كتابچي، چاپ تهران، بي تا.
10. حكايات برگزيده، گردآورنده شعبانعلي لامعي، جلد اول، چاپ صدر، قم، 1370.
11. حكايت ها و لطيفه ها، جواد سبزه اي، چاپ اول، انتشارات ناس، تهران، 1368 ش.
12. حكايت هاي شنيدني، محمد محمدي اشتهازي، چاپ اول، انتشارات علامه، قم، 1371.

13. حلیة المتقین، ملامحمد باقر مجلسی، چاپ سوم، انتشارات باقر العلوم، 1370.
14. زینة المجالس، مجدالدین محمد الحسینی، چاپ دوم، کتابخانه سنایی، 1362.
15. شجره طوبی، محمد مهدی حائری، مکتبه بصیری، چاپ پنجم، قم، 1385ق.
16. علل الشرائع، شیخ صدوق.
17. فروع کافی، شیخ کلینی، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1388ق.
18. قرب الاسناد، ابوالعباس عبد الله بن جعفر الحمیری، چاپ اول، آل البيت، قم، 1413ق.
19. کنز العمال، علاءالدین علی بن حسام الدین، چاپ اول، بیروت، 1389.
20. کیمیای سعادت، محمد غزالی طوسی، تهران، چاپ دوم، نشر محمد، 1413ق.
21. گنجینه لطایف، م - فرداده، چاپ هفتم، انتشارات بنیاد، تهران، 1372.
22. لطائف المعارف، ابومنصور عبدالملک، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، 1368.
23. مجمع البیان، ابوعلی فضل بن الحسن الطبرسی، چاپ دوم، بیروت، 1408.
24. المحاسن، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد البرقی، قم، چاپ اول، اهل البيت، 1413.
25. مستدرک الوسائل، حاج میرزا حسین نوری، چاپ اول، آل البيت، قم، 1407.
26. مکارم الاخلاق، علامه مرحوم طبرسی، چاپ اول، النشر الاسلامی، قم، 1414.
27. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، چاپ اول، دارالحديث، قم.
28. نهج البلاغه، سید شریف رضی (ترجمه: دکتر شهیدی)، چاپ ششم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1373.
29. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، بیروت، چاپ پنجم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1402.

